

آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و

سخنان اهل بیت علیهم السلام

سید محمد صادق حسینی سرشت^۱

امیر اشرافی^۲

چکیده

«آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام» عنوانی است جهت دستیابی به مفهوم تقوا و آثار آن در دنیا و آخرت که از دیدگاه قرآن و سنت بررسی گردیده است. تقوا از «وقایه» گرفته شده و در لغت، به معنای خویشتن‌داری و بازداشتن نفس از آن چیزی است که در آخرت برای انسان زیان دارد. تقوا، محصور کردن نفس به چیزهایی است که برای او مفید است. تقوا، دارای اثر نیک در دنیا و آخرت است. آثار دنیوی نیز در دو قالب آثار فردی و آثار اجتماعی ذکر شده‌اند. لازم به ذکر است که پاره‌ای از آثار، رابطه‌ای تعاملی یا دو سویه با تقوا دارند؛ یعنی

۱- مدرّس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهین شهر.

۲- مدرّس دانشگاه آزاد اسلامی واحد گلپایگان.

هم این عوامل تقوا را به دنبال دارند و نیز تقوای پیشگی سبب پیدایش آنهاست.

واژه‌های کلیدی

تقوا، قرآن و سنت، آثار دنیوی و اخروی، آثار فردی و اجتماعی، آثار تقوا از منظر قرآن و سنت.

آثار تقوا در دنیا

مراد، آثاری است از فضایل و خوبی‌ها که در این دنیا نصیب و روزی متّین می‌گردد.

الف- آثار فردی

مراد، آثاری است که اولاً و بالذات بر فرد اثر می‌گذارد و ثانیاً و بالعرض آثار آن در جامعه مشخص می‌گردد.

۱- خدا محوری

پروا پیشگان، جلال و بزرگی، یاد، محبت، ایمان و رضای باری تعالی در سراسر زندگی شان پرتو افکنده است. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در خطبه‌ی همّام که خطبه‌ی متّین نام گرفته چنین می‌فرماید: «... عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغَّرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»^۱ ایشان، حقیقتاً به خداوند

۱- «... خداوند در جانشان بزرگ گشته، و در نتیجه، غیر او در چشمشان کوچک آمده ...» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

ایمان آورده‌اند.^۱ و از نثار کردن جان، مال و ... در راه خدا هیچ باکی ندارند:

﴿لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
وَاللَّهُ عَلَيْهِم بِالْمُتَّقِينَ إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ
قُلُوبُهُمْ فَبِهِمْ فِي رَبِّهِمْ يُتَرَدَّدُونَ﴾^۲

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر آیات فوق در وصف جهاد کنندگان در راه خدا چنین می‌نویسد:

«خداوند در این دو آیه می‌خواهد بفرماید: «جهاد در راه خدا با جان و مال از لوازم ایمان واقعی و درونی به خدا و روز جزاست، چون چنین ایمانی آدمی را به تقوا و می‌دارد و مؤمن، به خاطر داشتن چنین ایمانی نسبت به وجوب جهاد بصیرتی به دست می‌آورد و همین بصیرت نمی‌گذارد که در امر جهاد تناقل و کاهلی کند، تا چه رسد به این که از ولی امر خود اجازه‌ی تخلف و معافیت از جهاد بخواهد. به خلاف منافق که او به خاطر نداشتن ایمان به خدا و روز جزا دارای چنین تقوایی نگشته، دلش همواره در تزلزل و تردید است، و در نتیجه، در مواقف دشواری که پای جان و مال در میان است دلش می‌خواهد به هر وسیله‌ی ممکن طفره برود و خود را کنار بکشد، و برای این که از رسوایی خود نیز جلوگیری به عمل آورده باشد و

۱- «کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، در جهاد با مال و جانشان از تو [عذر و] اجازه نمی‌خواهند، و خدا به [حال] تقوا پیشگان داناست. تنها کسانی از تو اجازه می‌خواهند [به جهاد نروند] که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و دل‌هایشان به شک افتاده و در شک خود سرگرداندند.» [بقره/ ۱۷۷].

۲- توبه/ ۴۴- ۴۵.

صورت قانونی بدان بدهد از وگلی امرش درخواست معافیت می‌کند.^۱

خداوند در زندگی دنیایی، کلمه‌ی تقوا و سکینه را نصیب متّقین و مؤمنین می‌کند: ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾.^۲

متّقین در سراسر مشکلات و سختی‌ها و القآت نفس و شیطان، خداوند یگانه و بی‌همتا را یاد می‌کنند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾^۳

آری، اینان همان متّقینی هستند که یاد خداوند باری تعالی سراسر وجودشان را فرا گرفته و شب و روزشان را با یاد خدا به سر می‌برند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «... يُصْبِحُ وَهَمُّهُ الذُّكْرُ...»^۴ ایشان هوشیار هستند و لحظات را جز با یاد خدا به سر نمی‌برند. مولای متّقیان می‌فرماید: «... إِنَّ كَانَ فِي الْعَافِلِينَ

۱- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۹، ص ۳۸۸.

۲- «آن‌گاه که کافران در دل‌های خود، تعصب [آن‌هم] تعصب جاهلیت ورزیدند، پس خدا آرامش خود را بر فرستاده‌ی خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد، و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت، و [در واقع] آنان به [رعایت] آن [آرمان] سزاوارتر و شایسته‌ی [اتّصاف به] آن بودند و خدا همواره بر هر چیزی داناست.» [فتح/ ۲۶].

۳- «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند.» [اعراف/ ۲۰۱].

۴- «... و شب را با اندیشه‌ی ذکر و یاد خدا به روز می‌آورد ...» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

كُتِبَ فِي الذَّاكِرِينَ وَإِنْ كَانَ فِي الذَّاكِرِينَ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ
الْغَافِلِينَ...»^۱

خدا محوری آن قدر در وجود آنها رسوخ یافته که حتی در کارهای روزمره‌ی خود نیز با یاد خدا حرکت می‌کنند. امام علی علیه السلام در همراهی یکی از یاران فرمودند: «أُنْطَلِقُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَخَدَهُ لَأَشْرِيكَ لَهُ...»^۲ امام علیه السلام به یکی از کارگزاران خود [مخفف بن مسلم] هنگامی که او را برای گردآوری زکات [به اصفهان] فرستاد چنین فرمودند: «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي سَرَائِرِ أَمْرِهِ وَخَفِيَّاتِ عَمَلِهِ حَيْثُ لَأَشَاهِدُ شَهِيدَ غَيْرِهِ وَلَا وَكَيْلَ دُونِهِ...»^۳

تقوا پیشگان نسبت به خداوند خوف و خشیت دارند:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءَ وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ﴾^۴

امام علی علیه السلام خشیت و خوف ایشان را چنین وصف می‌نماید: «قَدْ بَرَأَهُمُ الْخَوْفُ بَرَى الْقِدَاحِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسَبُهُمْ مَرَضَى وَمَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ وَ يَقُولُ: لَقَدْ خُولُوا وَلَقَدْ خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ ...»^۵

۱- «... انسان پرهیزگار اگر در میان غافلان باشد از جمله‌ی ذاکران به حساب آید، و اگر در جمع ذاکران باشد از غافلان به شمار نیاید...» [همان، خطبه‌ی ۱۹۳].

۲- «با پروای خداوندی که یکتا و بی‌شریک است، حرکت کن...» [همان، نامه‌ی ۲۵].

۳- «او را به پروای از خدا در امور نهانی و کارهای پوشیده از نظرها فرمان می‌دهم، آنجا که جز خدا کسی شاهد و غیر او کسی وکیل نیست.» [همان، نامه‌ی ۲۶].

۴- «و در حقیقت، به موسی و هارون فرقان دادیم و [کتابشان] برای پرهیزگاران روشنایی و اندرزی است. [همان] کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند و از قیامت هراسناکند.» [انبیاء/ ۴۸-۴۹].

۵- «خوف از خداوند پیکرشان را همچون تیر تراشیده و باریک ساخته، هرگاه کسی نگاهش به ایشان افتد پندارد که بیمارند، در حالی که بیمار نیستند. مردم می‌گویند: اینان دیوانه‌اند، حال آن که امری عظیم آنان

اینان، خوف از خدا را همراه با امید در دل دارند. امام علی علیه السلام در خطبه‌ی همّام می‌فرماید: «... يَبِيْتُ حَذِرًا وَ يُصْبِحُ فَرِحًا حَذِرًا لِمَا حُذِرَ مِنَ الْغَفْلَةِ وَ فَرِحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَ الرَّحْمَةِ»^۱

آری، اهل تقوا به جهت شناخت اصیل و عمیقشان از باری تعالی، دلی خاشع دارند: «خاشعاً قلبه...»^۲ ایشان با تمام وجود با خدا هستند و خداوند نیز یاری‌رسان آنهاست. خداوند در وصف ایشان می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾^۳.

علامه طباطبایی رحمته الله درباره‌ی تفسیر این آیه می‌فرماید:

«از این تعبیر استفاده می‌شود که تقوا و احسان هر یک سبب مستقلی برای موهبت نصرت الهی و ابطال مکر دشمنان دین و دفع کید آنان هستند، پس می‌توان گفت که این آیه جمله‌ی ﴿وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ﴾^۴ را تعلیل می‌کند و وعده‌ی نصرت می‌دهد.»^۵

کلام حضرت علی علیه السلام نیز مؤیدی بر این ادعاست که خداوند یاری‌رسان انسان‌های پرهیزگار و با تقوا در کارزار دنیاست؛ ایشان

را چنان آشفته ساخته است...» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: دکتر شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۱۳].

۱- «... شب را با بیم سپری می‌کند و روز را شادمان آغاز می‌نماید: بیمناک از غفلتی که او را از آن برحذر داشته‌اند، و شادمان از فضل و رحمتی که نصیبش گشته است.» [همان، خطبه‌ی ۱۹۳].

۲- همان.

۳- نحل / ۱۲۸؛ و نیز رک: بقره / ۱۹۴، توبه / ۳۶ و ۱۲۳.

۴- «در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته‌اند و [با] کسانی [است] که آنها نیکوکارند.» [نحل / ۱۲۷].

۵- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۲، ص ۵۳۹.

می فرماید: «أَيُّسْرُكَ أَنْ تَكُونَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ الْعَالِينَ اتَّقِ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ أَحْسِنْ فِي كُلِّ أَمْرٍ كَ» ﴿فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُخْسِنُونَ﴾^۱ و خدا همیشه یار و یاور متّقین است و این رابطه‌ی تعاملی و دو سویه است:

﴿إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ﴾^۲

ایشان، در دین و راه خدا استوار و محکم هستند؛ چون ایمان آنها توأم با تقوا و یقین قلبی است و به سادگی با وساوس شیطان و ظواهر دنیا خللی در دینشان وارد نخواهد آمد. امام علی علیه السلام می فرماید: «... حَرِيْزاً دِيْنَهُ...»^۳ «فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ [الْمُتَّقِينَ] أَنَّكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِيْنٍ وَ حَزْمًا فِي لِيْنٍ وَ إِيمَانًا فِي يَقِيْنٍ...»^۴

تقوا پیشگان به وسیله‌ی تقوا به یاد و ذکر و یاری خدا هستند و نیز در پی آن از غفران، محبت، رحمت و رضای الهی برخوردار هستند. آنان

۱- «اگر دوست داری که در نیروی پیروز خداوند باشی پروای خدا پیشه کن و در تمام کارهایت نیکی کن که خداوند با کسانی است که تقوا پیشه می کنند و نیکو کارند.» [آمدی، عبدالواحد التمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۶۹].

۲- «آنان هرگز در برابر خدا از تو حمایت نمی کنند [و به هیچ وجه به کار تو نمی آیند] و ستمگران بعضی شان دوستان بعضی [دیگر] اند، و خدا یار پرهیز گاران است.» [جائیه / ۱۹].

۳- «... دینش محفوظ است...» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۴- «از دیگر نشانه‌های انسان پرهیز گار آن است که او را می بینی که در دین نیرومند، دور اندیش و در عین حال ملایم، دارای ایمانی توأم با یقین است...» [همان].

اهل گناه و معصیت نیستند، لیکن اگر از آنان گناهی سرزند، خداوند گناهان تقوا پیشگان را به سبب پروایشان می‌آمرزد:

﴿ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾^۱

خداوند به حال چنین افرادی که به سمت پرهیزگاری آمده‌اند نظر می‌کند و گناهان گذشته ایشان را نیز محو می‌کند:

﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعُمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۲

خداوند در جای دیگری چنین فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾^۳

خداوند، خود، متقین را به سوی مغفرت در آخرت ترغیب نموده است تا بدانند که چه جایگاه مقدس و مبارکی در انتظار آنهاست:

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۴

۱- «این است فرمان خدا که آن را به سوی شما فرستاده است؛ و هر کس از خدا پروا کند، بدی‌هایش را از او بزاید و پاداشش را بزرگ گرداند.» [طلاق / ۵].

۲- «بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، گناهی در آنچه [قبلاً] خورده‌اند نیست، در صورتی که تقوا پیشه کنند و احسان نمایند و خدا نیکو کاران را دوست می‌دارد.» [مائده / ۹۳].

۳- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد؛ و گناهانتان را از شما می‌زداید؛ و شما را می‌آمرزد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است.» [انفال / ۲۹]

۴- «و برای آموزش از پروردگار خود، و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید.» [آل عمران / ۱۳۳].

آری، مغفرت الهی در دنیا و آخرت نصیب متقین است.
 پروا پیشگان، محبت و دوستی خدا را به خود جلب می‌کند:

﴿بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾^۱.

«پیامد تقوا، برخورداری از رحمت الهی است.^۲ تقوای عاشقانه، فرد را به دریای رحمت بی‌منتهای الهی، یعنی ایستگاه پایانی می‌رساند. این رحمت البته چیزی نیست جز توفیق الهی در دوستی محمد و آل او صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و دشمنی با دشمنان ایشان؛ زیرا آنها اهل رحمت پروردگار در دنیا و آخرت^۳ و مظهر رحمانیت و رحیمیت او می‌باشند. چنان که رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خود مظهر رحمت برای جهانیان^۴ و ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام نیز برخوردار از رحمت اختصاصی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام^۵ می‌باشد. از مصادیق این رحمت، برکت در روزی و بهره‌وری از نعمت خدا داد^۶ و نیز فهم حقیقی کتاب‌های الهی از جمله قرآن،^۷ انجیل و تورات،^۸ است و متقی از درک و فهمی ویژه^۹ برخوردار بوده، بدین وسیله از دیگران متمایز می‌گردد.»^{۱۰، ۱۱}

۱- «آری، هر که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری نماید بی‌تردید خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.»
 [آل عمران / ۷۶؛ و نیز ر.ک: توبه / ۴].

۲- اعراف / ۱۳.

۳- ر.ک: فتونی، ابوالحسن، مقدمه تفسیر مرآة الأنوار، ص ۱۶۵.

۴- ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [انبیاء / ۱۰۷].

۵- ﴿قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ﴾ [هود / ۷۳]

۶- ر.ک: عبّاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ص ۳۴۰؛ جرجانی، ابوالمحاسن، جلاء الأذهان، ۱۰ / ۹۸، طلاق / ۲ و ۳.

۷- ﴿ذَلِكِ الْكِتَابِ لِأَرْبَبٍ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقره / ۲]

۸- ﴿وَأَنبِئْهُمُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَتُصَدِّقُ لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَرُحْمَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [المائده / ۴۶].

۹- ر.ک: الاعراف / ۱۶۹، الانعام / ۳۳.

۱۰- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ [الأنفال / ۲۹].

۱۱- جوادی، امیر، پیامد اعمال در زندگانی با الهام از قرآن، ص ۱۰۵.

آنچه از رحمت، با تقوا پیشگان مرتبط است، نه رحمت عام، بلکه رحمت خاص است:

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾^۱.

در این آیه، به سیر رحمت باری تعالی از رحمت عامّه (واسعه) به رحمت خاصّه که ویژه‌ی متّقین است، اشاره شده است. آری، این رحمت چنان که گفته آمد، نعمت اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

در آیات دیگری نیز به این رحمت خاصّه اشاره شده است:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۲.

وقتی تقوای الهی با ایمان به او، عجین گشت، از رحمت خاصّ خدا، نور الهی و آمرزش او برخوردار خواهیم شد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۳.

۱- «... و رحمت همه چیز را فرا گرفته است؛ و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند و زکات می‌دهند و آنان که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر می‌دارم.» [الاعراف / ۱۵۶].

۲- «و چون به ایشان گفته شود: از آنچه در پیش رو و پشت سر دارید بترسید، امید که مورد رحمت قرار گیرید [نمی‌شنوند].» [یس / ۴۵]

۳- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید و بر شما ببخشد، و خدا آمرزنده‌ی مهربان است.» [حدید / ۲۸].

در روایتی نیز از امام علی علیه السلام چنین نقل شده است: «مَنْ نَقَلَهُ اللَّهُ مِنْ دُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ التَّقْوَى أَعْنَاهُ اللَّهُ بِلَا مَالٍ وَاعْزَهُ بِلَا عَشِيرَةٍ وَآنَسَهُ بِلَا أُنَيْسٍ»^۱.

از آنچه گفته آمد مشخص گردید تقوای الهی رابطه‌ی بندها را با خداوند محکم‌تر می‌کند و یاد و ذکر او را در دل زیاد گردانیده و نیز موجب یاری کردن خدا و استواری در دین می‌شود. هم چنین گناهان آمرزیده می‌شود و از رحمت و محبت خدا برخوردار خواهیم شد و اوج این نعمت‌ها در رضای خداست:

﴿قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾^۲.

کوتاه سخن این که، یکی از پیامدهای مهم تقوا در این عالم، خدا محوری است.

۲- ایمان به پیامبران الهی علیهم السلام

از آثار تقوا، ایمان به فرستادگان الهی است:

﴿وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ

۱- هر که را خداوند از ذلت معصیت به عزت تقوا رساند، او را بدون ثروت، توانگر و بدون داشتن عشیره و قبیله، عزیز و گرامی، و بدون داشتن همدمی، مأنوس قرار داده است. [حلی، محمد بن ادریس، مستطرفات السرائر، ص ۵۹۳؛ و نیز ر.ک: ورام، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶۵؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۷].

۲- بگو: آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند نزد پروردگارشان باغ‌هایی است که از زیر [درختان] آنها نهرها روان است؛ در آن جاودانه بمانند، و همسرانی پاکیزه و [نیز] خشنودی خدا [را دارند]، و خداوند به [امور] بندگان [خود] بیناست. [آل عمران/ ۱۵].

وَفِي الرَّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَأَتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا
وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ
هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١﴾

امیر مؤمنان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره‌ی ویژگی‌های رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
چنین آورده‌اند: «إمام من اتقى و بَصْرُ [بصيرة] من اهتدى.»^۲

پیامبران الهی نیز خود از کودکی متقی بوده‌اند که به راهبری تقوا
پیشگان برگزیده شده‌اند:

﴿ يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَأْتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ
تَقِيًّا ﴾^۳

۳- ایمان به رستاخیز

ایمان به روز جزا و قیامت از آثار تقواست:

﴿ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَأَتَى
الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ
وَفِي الرَّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَأَتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا
وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ
هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴾^۴

این صفت از اولین ویژگی‌های بارز پروا پیشگان است:

۱- بقره / ۱۷۷.

۲- «او پیشوای پارسایان، و چشم بینای هدایت یافتگان است.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد،
نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۱۶].

۳- «ای یحیی! کتاب [خدا] را به جَد و جهد بگیر، و از کودکی به او نبوت دادیم. و [نیز] از جانب
خود، مهربانی و پاکی [به او دادیم] و تقوا پیشه بود.» [مریم / ۱۲-۱۳].

۴- بقره / ۱۷۷.

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾^۱

ایشان، علاوه بر این که ایمان به آخرت دارند، عذاب آن را باور داشته و از آن هراسناک‌اند:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَآءَ وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ﴾^۲

امیر بیان حضرت علی علیه السلام درباره‌ی ایشان می‌فرماید: «نُزِّلَتْ أَنفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَأَلَّتِي نُزِّلَتْ فِي الرَّخَاءِ وَكَلَوْ كَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ [لَهُمْ] عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ وَخَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ»^۳

۴- ایمان به کتب آسمانی

ایمان به کتاب‌های آسمانی که خداوند بر پیامبرانش فرو فرستاده است از آثار تقواست.^۴ در قرآن کریم آمده است که متقین چنین‌اند:

۱- «این است کتابی که در (حَقَائِث) آن هیچ تردیدی نیست و مایه‌ی هدایت تقوا پیشگان است. آنان که به غیب ایمان می‌آورند و به آخرت یقین دارند.» [بقره / ۲-۴].

۲- «و در حقیقت، به موسی و هارون فرقان دادیم و [کتابشان] برای پرهیزگاران روشنایی و اندرزی است. [همان] کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند و از قیامت هراسناک‌اند.» [انبیاء / ۴۸ - ۴۹].

۳- «در هنگام بلا و مشقت حالشان همچون هنگام آسایش و رفاه ست، چنان مشتاق پاداش و بیمناک از عذاب‌اند که اگر نبود زمان معینی که خداوند برای ماندنشان در دنیا مقرر فرموده، لحظه‌ای روحشان در پیکرشان قرار نمی‌گرفت [و مرغ جانشان به سوی ابدیت به پرواز درمی‌آمد.]» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۴- بقره / ۱۷۷.

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ
يُوقِنُونَ﴾^۱.

﴿وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى
الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ
وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا
وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ
هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۲.

۵- ایمان به ملائکه

ایمان به ملائکه‌ی الهی از آثار تقوای حقیقی است که آیات مربوطه
در بخش‌های قبل ذکر شد.

۶- بزرگ‌داشتن شعائر دین

بزرگ‌داشتن شعائر دین از نشانه‌های تقواست:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۳.

یکی از این شعائر نماز است که در قرآن کریم تصریح شده که از
پیامدهای تقواست. خداوند درباره‌ی این صفت متّین چنین می‌فرماید:
﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَارْتِبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^۴

۱- «و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان می‌آورند.»
[بقره/۴].

۲- بقره/۱۷۷.

۳- «این است [فرائض خدا] و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت، آن [حاکمی] از پاکی
دل‌هاست.» [حج/۳۲].

۴- «این است کتابی که در [حَقَانِیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه‌ی هدایت تقوایندگان است: آنان که
به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.»
[بقره/۲-۳].

۷- انجام معروف

طبق سنت معصومین علیهم السلام، یکی از نشانه‌های تقوا پیشگان انجام معروف است: «عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلْمَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقُ الْحَدِيثِ وَآدَاءُ الْأَمَانَةِ وَوَفَاءُ بِالْعَهْدِ وَقِلَّةُ الْعَجْزِ وَالْبُخْلِ وَصِلَةُ الْأَرْحَامِ وَرَحْمَةُ الضُّعَفَاءِ وَقِلَّةُ الْمُؤَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ وَبَذْلُ الْمَعْرُوفِ وَ...»^۱

۸- پرداخت زکات

دادن زکات از نشانه‌های متقین است که قرآن کریم بدان تصریح کرده است:

﴿... وَأَتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۲

۱- «ابوبصیر از حضرت باقر عليه السلام نقل نموده که امیر مؤمنان عليه السلام میفرمود: اهل تقوا علایم و نشانه‌هایی دارند که با آن شناخته می‌شوند راستی در گفتار، مراعات امانت، پابندی به عهد و پیمان، بخل و عجز و ناتوانی نداشتن، و سرکشی و مراقب حال خویشاوندان، مهربانی و محبت به ضعیفان، و با زنان آمیزش و ارتباط کم داشتن، و بذل و بخشش، و از کارهای نیک دریغ نداشتن و...» [دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام الدین، ص ۱۲۱؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۶۷، ص ۲۸۲].

۲- «و نماز را برپای دارد، و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیبایانند، آنانند کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگارانند.» [بقره/ ۱۷۷].

۹- وصیت

یکی از واجبات بر هر فرد مسلمان، وصیت کردن قبل از فرا رسیدن مرگ است که خداوند به آن امر کرده است. افراد متقی این واجب را انجام می دهند:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾^۱.

۱۰- شکرگزاری

طبق آیات قرآن کریم، یکی از آثار تقوای حقیقی، شکرگزاری از باری تعالی است:

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۲

امام صادق علیه السلام در حدیثی ضمن برشمردن صفات متقین و مؤمنین واقعی چنین می فرماید: «... و فی الرخاء شکور...»^۳

امیرمؤمنان علیه السلام سپاس گزاری را از صفات متقین دانسته که در هنگام به شب ترسان و در خوشی شکر گزار پروردگار خویش اند:

«... يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَهُوَ عَلَى وَجَلٍ يُمْسِي وَهَمُّهُ الشُّكْرُ وَ يُصْبِحُ وَهَمُّهُ الذُّكْرُ بَيْتُ حَذْرًا وَيُصْبِحُ فَرِحًا حَذْرًا لِمَا حَذَرَ مِنَ الْغَفْلَةِ

۱- «بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده وصیت کند؛ [این کار] حقی است بر پرهیزگاران.» [بقره / ۱۸۰]

۲- «و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر- با آن که ناتوان بودید- یاری کرد. پس، از خدا پروا کنید، باشد که سپاس گزاری نمایید.» [آل عمران / ۱۲۳].

۳- «... و آنسان در خوشی ها سپاس گزار خداوندند ...» [مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۶۴، ص ۲۷۱].

وَفَرِحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ إِنَّ اسْتَصْعَبْتَ عَلَيْهِ نَفْسَهُ فِيمَا تَكَرَّرَ لَمْ يُعْطِهَا سُؤْلَهَا فِيمَا تُحِبُّ قُرَّةُ عَيْنِهِ...»^۱

مولای متقیان علی علیه السلام در بیان شیوای دیگری چنین می فرماید:

«عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَالْمُوجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقِّكُمْ وَأَنْ تَسْتَعِينُوا عَلَيْهِ بِاللَّهِ وَتَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحَرِزُ وَالْجَنَّةُ وَفِي غَدِ الطَّرِيقُ إِلَى الْجَنَّةِ مَسْلَكُهَا وَاضِحٌ وَسَالِكُهَا رَابِحٌ وَمُسْتَوْدَعُهَا حَافِظٌ لَمْ تَبْرَحْ عَارِضَةٌ نَفْسَهَا عَلَى الْأَمَمِ الْمَاضِينَ مِنْكُمْ وَالْغَابِرِينَ لِحَاجَتِهِمْ إِلَيْهَا غَدًا إِذَا أَعَادَ اللَّهُ مَا أَبَدَى وَأَخَذَ مَا أَعْطَى وَسَأَلَ عَمَّا أَسْدَى فَمَا أَقَلَّ مَنْ قَبَلَهَا وَحَمَلَهَا حَقَّ حَمْلِهَا أَوْلَيْكَ الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَهُمْ أَهْلُ صِفَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِذْ يَقُولُ ﴿وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ فَأَهْطِعُوا بِأَسْمَاعِكُمْ إِلَيْهَا وَالْأَطْوَا بِجِدِّكُمْ عَلَيْهَا وَاعْتَاضُوهَا مِنْ كُلِّ سَلْفٍ خَلْفًا وَمِنْ كُلِّ مُخَالِفٍ مُّوَافِقًا - أَيْقِظُوا بِهَا نَوْمَكُمْ وَأَفْطَعُوا بِهَا يَوْمَكُمْ وَأَشْعِرُوا قُلُوبَكُمْ وَارْحَضُوا بِهَا ذُنُوبَكُمْ وَدَاوُوا بِهَا الْأَسْقَامَ وَبَادِرُوا بِهَا الْحِمَامَ وَاعْتَبِرُوا بِمَنْ أَضَاعَهَا وَكَأَيُّكُمْ لَمْ يَعْتَبِرَنَّ بِكُمْ مَنْ أَطَاعَهَا أَلَا فَصُوتُوهَا وَتَصَوَّتُوا بِهَا وَكُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نَزَاهًا وَإِلَى الْآخِرَةِ وُلَاهَا وَكَأَيُّكُمْ لَمْ تَضَعُوا مِنْ رَفَعَتِهِ التَّقْوَى وَكَأَيُّكُمْ لَمْ تَرْفَعُوا مِنْ رَفَعَتِهِ الدُّنْيَا...»^۲

۱- «... اعمال نیکو انجام می دهد و ترسان است، روز را به شب می رساند با سپاس گزاری، و شب را به روز می آورد با یاد خدا، شب می خوابد اما ترسان، و بر می خیزد شادمان، ترس برای این که دچار غفلت نشود، و شادمانی برای فضل و رحمتی که به او رسیده است. اگر نفس او در آنچه دشوار است فرمان نبرد، از آنچه دوست دارد محروم می کند.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ی ۱۹۳].

۲- سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ی ۱۹۱.

«بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ زیرا تقوا حقی است که خداوند بر شما دارد، و نیز حقّ شما را بر خداوند واجب می‌سازد. از خداوند برای تقوای یاری بجوئید، و از تقوا در برابر [عذاب] خداوند کمک بگیرید، که تقوا امروز سپر و پناهگاه است، و فردا راهی به سوی بهشت است؛ راهی که روشن است، و رونده‌ای سود برنده، و امانت‌دارش [= خداوند] حافظ و نگه دارنده.

تقوا همواره نور را بر پیشینیان عرضه کرده و بر آیندگان نیز عرضه خواهد کرد؛ زیرا فردای قیامت همگان به آن نیازمندند؛ آن هنگام که خداوند آنچه را آفریده بود باز آورد و آنچه را عطا کرده بود، باز پس گیرد و از آنچه بخشیده بود پرسش نماید. پس چه اندک‌اند کسانی که تقوا را چنان که باید پذیرفته و رعایت کرده‌اند آنان در شمارش بس اندک‌اند. اینان سزاوار توصیف خدای سبحان‌اند که فرمود:

«اندکی از بندگان من شکر گزارند.»^۱

پس گوش خود را به جانب تقوا فرا دارید، و با تلاش خود بر آن مواظبت کنید و آن را جایگزین آنچه از دست داده‌اید سازید، و تقوا را دلخواه خود شمارید. خود را با تقوا بیدار دارید، و روز خود را با آن بگذرانید، آن را ملازم دل خویش نمایید، و گناهان خویش را با آن بشوید، و بیماری‌ها را با آن درمان کنید، و پیش از رسیدن مرگ به پیشباز آن روید، و از کسی که آن را تباه ساخت پند بگیرید، و مبادا خود مایه‌ی عبرت تقوا پیشگان شوید. هان! تقوا را نگاه دارید و خود را با آن حفظ نمایید. از دنیا پاک و برکنار بمانید و شیفته‌ی آخرت باشید. کسی را که تقوا بالایش برد، پایین نیاورید، و کسی را که دنیا بالایش آورده، دارای مقام والا مشمارید ...»

طبق آیات قرآن کریم، متّقین زمینه‌ی هدایت الهی را دارند: ﴿أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.^۱ و در حقیقت، خداوند راه هدایت را به آنان نشان داده است:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّفِقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۲

امام علی علیه السلام فرمودند: «هدی من اشعر التّقوی قلبه»^۳ و نیز در جایی دیگر کسب تقوا و پارسایی را به کاشت درخت تشبیه فرموده که ثمره‌ی آن چیزی جز هدایت الهی نیست: «مَنْ غَرَسَ أَشْجَارَ التُّقَى جَنَى ثَمَارَ الْهُدَى»^۴ و در خطبه‌ی همّام متّقین را «در هدایت با نشاط» دانسته‌اند: «و نشاطاً فی هُدًی»^۵ ایشان، نور تقوا را راهنمای انسان بر شمرده‌اند: «من يطع الله و رسوله یکن سبیل الرشد سبيله، و نور التّقوی دلیله...»^۶ و در جایی دیگر، با تشبیه تقوا به آب‌ی حیات‌بخش، چنین می‌فرمایند: «لَا يَهْلِكُ عَلَى التَّقْوَى سِنْخٌ أَصْلٍ وَلَا يَطْمَأُ عَلَيْهَا زَرْعٌ قَوْمٌ»^۷

۱- «آنهايند که از هدايتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگارانند.» [بقره/ ۵].

۲- «و خدا بر آن نيست که گروهی را پس از آن که هدايتشان نمود بی راه بگذارد مگر آن که چیزی را که باید از آن پروا کنند برايشان بيان کرده باشد. آری، خدا به هر چیزی داناست.» [توبه/ ۱۱۵].

۳- «آن که تقوا را پوشش دلش قرار داد، راه یافت.» [محمّدی ری شهری، محمّد، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه: مسعودی، عبد الهادی، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۶۰].

۴- «آن که نهال‌های تقوا کاشت، میوه‌های هدایت چید.» [همان].

۵- [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمّد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۶- «هر که فرمان برد خدا و رسولش را، راه او راه رشد و نور تقوا راهنمای او است.» [کلینی، محمّد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۱].

۷- «بنیادی که بر پایه‌ی تقوا روییده از بین نرود، و کشتزاری که آب تقوا به آن رسیده تشنه نگردد.» [مجلسی،

محمّد باقر بن محمّد تقی، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۲، ص ۹۹].

کوتاه سخن این که هدایت از آثار مترتب بر تقواست.

۱۲- کنترل جوارح

الف) کنترل زبان: طبق سنت ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، اهل تقوا زبان خود را به کنترل خویش در آورده و لذا از آسیب‌های آن در امان هستند. پروا پیشگان «گفتارشان درست»^۱ است. ایشان «سخن زشت از زبانشان دور و کار زشت از ایشان پنهان»^۲ است. «مردم را بالقب‌های زشت نمی‌خوانند.»^۳ و «پیش از آن که شاهدان شهادت دهند، به حق اعتراف می‌کند.»^۴ این‌ها مصادیقی از کنترل زبان است که در روایات بدان تصریح شده است و متقین آنها را دارند.

مولای متقیان علی علیه‌السلام در سخنی گهربار، وابستگی زیبایی میان کنترل زبان و تقوای الهی را به نمایش گذاشته‌اند:

«رأیت جميع الأخلَاء فلم أر خلیلاً أفضل من حفظ اللسان، و رأیت جميع اللباس فلم أر لباساً أفضل من الورع، و رأیت جميع الأموال فلم أر مالا أفضل من القناعة، و رأیت جميع البرّ فلم أر براً أفضل من الرحمه و الشفقه، و ذقت جميع الأطعمه فلم أر طعاماً ألدّ من الصبر.»^۵

۱- «منطقهم الصواب.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج‌البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۲- «بعیداً فحشه، لینا قوله.» [همان].

۳- «ولا ینابز بالألقاب.» [همان].

۴- «یعرّف بالحقّ قبل أن یشهد علیه.» [همان].

۵- «من با وجود مشاهده‌ی تمامی دوستان، دوستی بهتر از حفظ زبان، با مشاهده‌ی تمامی لباس‌ها، لباسی زیباتر از تقوا، با دیدن تمامی اموال، مالی ارزنده‌تر از قناعت، با وجود مشاهده‌ی تمامی احسان‌ها، احسانی برتر از رحم و مهربانی، و با وجود مشاهده تمامی غذاها، غذایی گواراتر از صبر نیافتیم.» [مشکینی، علی، تحریر المواعظ العمدیه، ص ۳۹۳].

حضرت علی علیه السلام در کلامی دیگر با ذکر قسم جلاله، متقیان را این گونه به حفظ زبان توصیه می‌فرماید:

«وَاجْعَلُوا اللِّسَانَ وَاحِدًا وَ لِيُخْزَنَ الرَّجُلُ لِسَانَهُ فَإِن هَذَا اللِّسَانَ جَمُوحٌ بِصَاحِبِهِ وَاللَّهِ مَا أَرَى عَبْدًا يَتَّقِي تَقْوَى تَنْفَعُهُ حَتَّى [يُخْتَزِنَ] يَخْزِنَ لِسَانَهُ»^۱

ب) کنترل چشم: از دیدگاه امام علی علیه السلام، تقوا پیشگان چشمان خود را از حرام باز می‌دارند: «...عَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...»^۲

ج) کنترل شکم: طبق مفاد آیات قرآن کریم، آن که تقوای الهی پیشه سازد خداوند خود روزی اش را می‌دهد:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۳.
 متّقیان «خواهان روزی حلال»^۴ هستند. ایشان «خوراکشان کم»^۵ و «شهویشان مرده»^۶ است.

۱- «زبان و دل را هماهنگ کنید. مرد باید زبانش را حفظ کند؛ زیرا همانا این زبان سرکش، صاحب خود را به هلاکت می‌اندازد. به خدا سوگند، پرهیزکاری را ندیده‌ام که تقوا برای او سودمند باشد، مگر آن که زبان خویش را حفظ کرده بود.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۷۶].

۲- «از آنچه خداوند حرام کرده چشم پوشیدند...» [همان، خطبه‌ی ۱۹۳].

۳- «... و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد* و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی پس است. خدا فرمانش را به انجام رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است.» [طلاق / ۲-۳].

۴- «وَ طَلَبًا فِي حَلَالٍ» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۵- «مَنْزُورًا أَكَلَهُ» [همان].

۶- «مَيْتَةٌ شَهْوَتُهُ» [همان].

۱۳- کنترل رفتار

طبق سنت مأثور، متقین «گفتار را با کردار آمیخته ساخته»،^۱ «لغزششان اندک و ناچیز»،^۲ «لباسشان میانه‌روی»^۳ و «در عین بی‌نیازی میانه‌رو»،^۴ «در دشواری‌ها آرام و در ناخوشی‌ها شکیبیا»،^۵ «آنچه را به او سپارند تباہ نمی‌سازد»،^۶ «به همسایه زیان نمی‌رساند»،^۷ «به مصیبت‌های دیگران شادمان نمی‌گردد»،^۸ «از حق بیرون نمی‌گردد»^۹ و «کارهای نیکو می‌کند می‌کند و در عین حال، [از عذاب خدا] می‌ترسد»^{۱۰}.

امام هادی علیه السلام در سفارش به اصحاب خود فرمودند:

«در هنگام زیارت [قبر امیرمؤمنان] در روز غدیر، سالی که معتصم او را فراخواند، بر سر [قبر] او - که دروهای خداوند بر او باد - می‌ایستی و می‌گویی: «چه بسیار که تقوا تو را از اجرای تصمیمت باز داشت، ولی غیر تو برای دستیابی بدان، از هوای خویش پیروی کرد، و از این رو، جاهلان پنداشتند که تو در آنچه اتفاق افتاد، ناتوان بودی. به خدا سوگند، کسی که چنین پنداشت، گمراه شد و ره نیافت و تو خود - درود خدا بر تو باد - با این سخت: «بنیاد آگاه به امر می‌داند چگونه حيله کند؛ اما تقوای الهی مانع اوست. پس، دیده را نادیده می‌گیرد؛

۱- «يَخْرُجُ الْقَوْلُ بِالْعَمَلِ». [همان].

۲- «تَرَاهُ ... قَلِيلًا زَلَّةً». [همان].

۳- «مَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ». [همان].

۴- «فَصَدَأَ فِي غَيْي». [همان].

۵- «فِي الزَّلَازِلِ وَفُورٍ وَفِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ». [همان].

۶- «أَلَا يُضِيعُ مَا اسْتُحْفِظُ». [همان].

۷- «أَلَا يُضَارُّ بِالْجَارِ». [همان].

۸- «أَلَا يَشْمَتُ بِالْمَصَائِبِ». [همان].

۹- «أَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَقِّ». [همان].

۱۰- همان.

اما آن که پروای دین ندارد، از آن فرصت سوء استفاده می‌کند»، هرچه را در این میان مبهم بود، برای آنان که دچار توهم و تردید بودند، توضیح دادی. تو راست گفتی و باطل اندیشان زیانکارند.^۱

در این روایت، به این حقیقت اشاره گشته که امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام رفتار خود را در جهت خواست و رضای الهی کنترل می‌نمودند و از خود و خودسرانه عمل نمی‌کردند. مولای متقیان علی علیه السلام در وصف این خصوصیت متقین می‌فرماید: «بُعْدُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ رُهْدٌ وَ نَزَاهَةٌ وَ دُنُوُّهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لِينٌ وَ رَحْمَةٌ لَيْسَ تَبَاعُدُهُ بِكِبْرٍ وَ عَظَمَةٍ وَ لَأَ دُنُوُّهُ بِمَكْرٍ وَ خَدِيعَةٍ.»^۲ پرهیزگار «نفس او از او در زحمت است و مردم از او در راحتند. خود را بری آخرتش به رنج افکنده، و مردم را از خویش آسوده ساخته.»^۳ او «اگر خاموش باشد سکوتش او را اندوهگین نمی‌سازد، و اگر بخندد قهقهه نمی‌زند.»^۴

فرد باتقوا، تمام اعمال فکری، عبادی و علمی اش و ... همگی کنترل شده و در مسیر حق است. امام علی علیه السلام فرمودند:

۱- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه‌ی امیرالمؤمنین، ترجمه: مسعودی، عبد الهادی، ج ۲، ص ۳۴۹.

۲- «متقی اگر از کسی دوری کرده به خاطر بی‌رغبتی به دنیا و وارستگی است، و اگر خود را به کسی نزدیک ساخته از روی ملامت و رحمت است. نه دوری گزیدنش از سرتکبر و خودخواهی است، و نه نزدیکی کردنش از روی حيله و فریب.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۳- همان.

۴- همان.

«فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخَشَعَ وَاقْتَرَفَ فَاغْتَرَفَ وَوَجِلَ فَعَمِلَ
 وَحَادَرَ فَبَادَرَ وَاتَّقَنَ فَأَحْسَنَ وَغُبِرَ فَاغْتَبَرَ وَحُدِّرَ فَحَدَّرَ وَرُجِرَ فَازْدَجَرَ
 وَأَجَابَ فَأَنَابَ وَرَاجَعَ فَتَابَ وَاقْتَدَى فَاخْتَذَى وَأَرَى فَرَأَى فَاسْرَعَ
 طَالِباً وَنَجَا هَارِباً فَأَفَادَ ذَخِيرَةً وَأَطَابَ سَرِيرَةً وَعَمَّرَ مَعَاداً وَاسْتَظْهَرَ زَاداً
 لِيَوْمِ رَحِيلِهِ وَوَجَّهَ سَبِيلَهُ وَحَالَ حَاجَتَهُ وَمَوْطِنَ فِاقَتِهِ وَقَدَّمَ أَمَامَهُ لِدَارِ
 مُقَامِهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ جِهَةً مَا خَلَقَكُمْ لَهُ وَاحْذَرُوا مِنْهُ كُنْهَ مَا
 حَذَّرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ وَاسْتَحْجُوا مِنْهُ مَا أَعَدَّ لَكُمْ بِالتَّنَجُّزِ عَنْ هَرَبٍ وَرَاقِبِ
 فِي يَوْمِهِ غَدَهُ وَنَظَرَ قُدَمَا أَمَامَهُ فَكَفَى بِالْجَنَّةِ نَوَابِأً وَنَوَالًا وَكَفَى بِالنَّارِ
 عِقَاباً وَبِآلَا وَكَفَى بِاللَّهِ مُنْتَقِماً وَنَصِيراً وَكَفَى بِالْكِتَابِ حَاجِجاً وَ
 خَصِيماً»^۱

«پس ای بندگان خدا! تقوای الهی را پیشه سازید، چونان
 تقوای خردمندی که تفکّر دلش را مشغول داشت، و بیم از
 عذاب، بدنش را رنجور ساخت و عبادت شبانه، اندکی خواب را
 نیز از او گرفت، و امید به رحمت در اوج گرمای روز، تشنه‌اش
 نگاه داشت، و بی‌میلی دنیا از شهوات باز داشت، و ذکر حقّ
 زبانش را به حرکت واداشت. از پیش در دنیا ترسید تا در
 قیامت در امان باشد و از موانع پیمودن راه روشن هدایت کناره
 گرفت، و برای دستیابی به راه مطلوب میانه‌ترین طریق را پیمود،
 و کبر و غرور، او را از مسیر صحیح باز نگرداند، و امور اشتباه‌انگیز بر
 او مخفی نماند. او به شادمانی بشارت به بهشت، و آسودگی
 نعمت‌ها، در راحت‌ترین خوابگاهش [=قبر] و ایمن‌ترین روزش
 [=قیامت] رسیده، از گذرگاه دنیا به گونه‌ای پسندیده
 گذشته، و سعادت‌مندانه توشه‌ی آخرت را از پیش فرستاده، از روی

بیم از عذاب به نیکی‌ها مبادرت ورزیده و آن‌گاه که فرصت داشت به سوی بندگی شتافت، در طلب خشنودی خدا مشتاق بود، و ترس از خدا او را از گناه گریزان نمود، و امروز در اندیشه‌ی فردایش بود، و همواره به آینده می‌نگریست. پس بهشت برای ثواب و پاداش کافی است، و دوزخ برای کیفر و گرفتاری بس است. و خداوند برای انتقام گرفتن و یاری رساندن کفایت می‌کند، و قرآن برای احتجاج علیه آدمی و دشمنی با انسان بس است.»

طبق روایت بالا، فرد متقی در تمام زمینه‌ها از مسیر حق بیرون نرفته و اعمال او در راه خدا کنترل و جهت‌دهی شده است. هر آنچه که از اعمال آمیخته به تقوا باشد مقبول است؛ امام علی علیه السلام فرمودند: «وَلَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ.»^۱ و عملی که تقوا داشته باشد، مورد پذیرش است، حتی اگر اندک باشد:

«عِدَّةٌ مِّنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَذَكَرْنَا الْأَعْمَالَ فَقُلْتُ أَنَا مَا أَضْعَفُ عَمَلِي فَقَالَ مَهْ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ ثُمَّ قَالَ لِي إِنْ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بِلَا تَقْوَى قُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ كَثِيرٌ بِلَا تَقْوَى قَالَ نَعَمْ مِثْلُ الرَّجُلِ يُطْعَمُ طَعَامَهُ وَيُرْفَقُ جِيرَانُهُ وَيُوطَأُ رَحْلُهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ دَخَلَ فِيهِ فَهَذَا الْعَمَلُ بِلَا تَقْوَى وَ يَكُونُ الْأَخْرَ لَيْسَ عِنْدَهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ لَمْ يَدْخُلْ فِيهِ.»^۲

۱- «هیچ کاری با تقوا اندک نیست و چگونه اندک است آنچه پذیرفته شود.» [همان، حکمت ۹۵].

۲- «در کار نیک به اندک خشنود نمی‌شوند و طاعت فراوان را زیاد نمی‌شمارند. خود را به کوتاهی در بندگی متهم می‌سازند، و از اعمال خویش بیمناکند. هرگاه یکی از ایشان را به پاکی و وارستگی توصیف کنند از آنچه درباره‌ی او می‌گویند بترسد و گوید: «من خود را بهتر از دیگران می‌شناسم و

«مفضّل بن عمر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که موضوع اعمال مطرح شد، من گفتم: عمل من چه اندازه کم و ضعیف است؟ حضرت علیه السلام فرمودند: خاموش باش، از خدا آمرزش بخواه. آن گاه فرمود: عمل کم با تقوا بهتر از عمل بسیار بی تقوا است. عرض کردم: چگونه عمل بسیار، بی تقوا می باشد؟ فرمود: آری، مانند مردی که از غذای خود به مردم می خوراند و با همسایگانش مهربانی می کند و در خانه اش باز است، ولی چون دری از حرام به نظرش رسد بدان در آید، این است عمل بدون تقوا، و دیگری هست که اینها را ندارد، ولی چون در حرامی بنظرش رسد، بدان وارد نشود.»

۱۴- تهذیب نفس

تقوا پیشگی، سالک طریق الی الله را در پیمودن این مسیر، بسیار کمک می کند. امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمودند: «بزار خودسازی پرهیزگاری است.»^۱ و نیز فرمودند: «پروای الهی درد دل هایتان، بنیای کوری قلبتان، شفای بیماری جسمتان، اصلاح فساد سینه هایتان، پاکسازی پلیدی جانتان، صیقل پرده ی دیدگانتان، آرامش بی تابی درونتان، و روشنایی سیاهی تاریکی تان است.»^۲

پروردگام مرا بهتر از خودم می شناسد. پروردگارا، مرا به سبب آنچه درباره ام می گویند مؤاخذه مکن، و بهتر از آنچه در حَقِّم گمان می برند قرارم ده، و بر من بیخشی آن گناهانم را که مردم از آن بی خبرند.» [کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۷۷؛ قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۸۴].

۱- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه ی امیرالمؤمنین، ترجمه: سلطانی، محمد علی، ج ۱۰، ص ۲۲۷.
 ۲- همان.

فرد متقی از دیدگاه مولی الموحدین علی علیه السلام، نفسش آن گونه به تقوا آراسته و تهذیب یافته است که از هواها و خواهش‌های نفسانی‌اش پیروی نمی‌کند: «وَلَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَىٰ وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ إِنْ اسْتَضَعَبَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فِيمَا تَكَرَّرَهُ لَمْ يُعْطِهَا سُؤْلَهَا فِيمَا تُحِبُّ...»^۱

انسان پرهیزگار و متقی آن قدر نفس خویش را با آب عبادت و تقوا صیقل داده است که حتی از کم‌ترین توصیف و اتصاف به تقوا نیز ترسان و گریزان است؛ چرا که نفسش را در درون به افسار خویش کشیده است و آن را از هر بدی و گزئی هموار کرده و تهذیب داده است:

«وَلَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَىٰ وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ لَا يَرْضَوْنَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلَ وَ لَا يَسْتَكْتَرُونَ الْكَثِيرَ فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَهَمُونَ وَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ إِذَا رُكِّيَ أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ فَيَقُولُ أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي وَ رَبِّي أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ وَ اجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يُظُنُّونَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ»^۲

۱- «اگر نفسش از او در آنچه بر وی سنگین است پیروی نکند، آنچه نفسش دوست می‌دارد در اختیارش نمی‌گذارد.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۲- «در کار نیک به اندک خشنود نمی‌شوند و طاعت فراوان را زیاد نمی‌شمارند. خود را به کوتاهی در بندگی متهم می‌سازند، و از اعمال خویش بیمناکند. هرگاه یکی از ایشان را به پاکی و وارستگی توصیف کنند از آنچه درباره‌ی او می‌گویند بترسد و گوید: «من خود را بهتر از دیگران می‌شناسم و پروردگارم مرا بهتر از خودم می‌شناسد. پروردگارا، مرا به سبب آنچه درباره‌ام می‌گویند مؤاخذه

چه بسیار از مؤمنین و متقینی که ورودشان به جرگه‌ی ایمان و تقوا و پارسایی، طریق توبه بوده است؛ از دیدگاه امام علی علیه السلام تقوا دروازه‌ی هر توبه‌ای است:

«أَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَىٰ وَجَعَلَ التَّقْوَىٰ مُنْتَهَىٰ رِضَاهُ وَالتَّقْوَىٰ بَابٌ كُلُّ تَوْبَةٍ وَرَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ وَشَرَفُ كُلِّ عَمَلٍ بِالتَّقْوَىٰ فَازَ مَنْ فَازَ مِنَ الْمُتَّقِينَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ - إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا وَقَالَ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَيُسَدِّدْهُ فِي أَمْرِهِ وَيُهَيِّئْ لَهُ رُشْدَهُ وَيُفْلِحْهُ بِحُجَّتِهِ وَيُبَيِّضْ وَجْهَهُ وَيُعْطِهِ رَغْبَتَهُ - مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا.»^۱

«شمارا به پرهیزگاری سفارش نموده که تقوا نهایت خشنودی او، دروازه‌ی توبه، سرآمد هر حکمت، و شرف هر کاری است، پرهیزگاران رستگار شدند. خداوند تبارک و تعالی فرماید: «رستگاری برای پرهیزگاران است.» [نبأ / ۳۱] و فرماید: «خداوند آنها را که تقوا پیشه ساختند با اسباب نجاتشان (عمل‌های شایسته) نجات بخشد، نه هیچ بد به آنها رسد و نه اندوهگین شوند.» [زمر / ۶۱]. بندگان خدا! از خدا پروا کنید و بدانید هر که از خدا پروا کند، خدا راهی برای بیرون شدن از فتنه‌ها به رویش بگشاید، در کارها صلاح و سدادش را به وی بنماید، وسیله‌ی هدایتش را آماده سازد، حجّت و برهانش را پیروز

مکن، و بهتر از آنچه در حَقِّم گمان می‌برند قرارم ده، و بر من ببخشای آن گناهانم را که مردم از آن بی‌خبرند.» [همان].

گرداند، رو سفیدش کند و خواسته‌هایش را عطا فرماید، با آن‌ها که خدا نعمتشان بخشیده، یعنی پیامبران «صدیقان» (راستی پیشگان) گواهان و شایستگان [همنشین باشد] و چه خوش رفیقانی هستند.»

۱۶- دوری از شبهات

تقوا نگه‌دارنده‌ی انسان پرهیزگار از افتادن در سیاهچال شبهات است؛ امام علی علیه السلام، پس از این‌که در مدینه با او بیعت شد، چنین فرمودند: «ذَمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةً وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ إِنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعَيْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَزَّتُهُ التَّقْوَى عَنْ تَقَعُّمِ الشُّبُهَاتِ ...»^۱

ایشان در جای دیگری عامل بازدارنده‌ی اولیای الهی از ارتکاب به گناه و معصیت را تقوا دانسته و می‌فرمایند:

«عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَالزَّمَتْ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَسْهَرَتْ لَيَالِيَهُمْ وَأَطْمَأَتَ هَوَاجِرَهُمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَالرَّيَّ بِالظُّمَاءِ وَاسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَكَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حِطْوَا الْأَجَلَ.»^۲

۱- «آنچه می‌گویم، بر عهده می‌گیرم و خود، بدان ضامنم. آن کس که از عقوبت‌های مقابل دیدگانش عبرت گیرد، تقوا او را از افتادن در شبهه‌ها نگه دارد.» [محمّدی ری شهری، محمّد، دانشنامه‌ی امیرالمؤمنین، ترجمه: مهریزی، مهدی، ج ۴، ص ۱۵۴].

۲- «بندگان خدا! تقوای الهی اولیای خود را از ارتکاب محرمات باز داشت و دلشان را با ترس از خدا همراه ساخت به گونه‌ای که شب‌ها بیدارشان می‌داد، و در گرمای روز به روزه وامی‌داد، پس آسایش فردا را با رنج امروز، و سیرابی فردا را با تشنگی امروز به دست آوردند. مرگ را نزدیک شمردند و به عمل نیکو مبادرت ورزیدند، آرزو را دروغ دانستند و مرگ را در نظر

متَّقین با در کنترل قرار دادن اعمال خود، حتی در حق دشمن خویش نیز ستم روا نمی‌دارند: «لَا يَحِيفُ عَلَيَّ مَنْ يُبْغِضُ وَلَا يَأْتِمُ فَيَمُنُ يُحِبُّ»^۱

آری، تقوا همچون دژ مستحکمی انسان پارسا و پرهیزگار را در خود از ارتکاب به گناه و بدی حفظ و مصون داشته و از ورود نیش زهر آگین گناه بر قلب متقی جلوگیری می‌کند: «قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى حِصْنٌ حَصِينٌ وَالْفُجُورَ حِصْنٌ ذَلِيلٌ لَا يَمْنَعُ أَهْلَهُ وَلَا يُحَرِّرُ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ إِلَّا وَبِالتَّقْوَى تُقَطَّعُ حُمَةُ الْخَطَايَا...»^۲

و از همه مهم‌تر آن‌که، امام متقیان علی عليه السلام در سخن شیوایی در تفسیر آیه‌ی دوم سوره‌ی طلاق چنین می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّهُ ﴿وَمَنْ تَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ مِنْ الْفِتَنِ وَ نُورًا مِنْ الظُّلْمِ ...»^۳

آوردند. [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۱۴].

۱- «انسان متقی بر آن که دشمن می‌دارد ستم نمی‌کند، و درباره‌ی آن که دوستش دارد مرتکب گناه نمی‌شود...» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۲- «ای بنندگان خدا! بدانید پرهیزگاری دژی است استوار و بدکاری قلعه‌ایست سست و ناپایدار که ساکنانش را نگهبانی نکند و پناهندگانش را محفوظ ندارد. هان! با پرهیزگاری است که نیش زهر آگین خطاها کنده شود.» [حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۲۳].

۳- «بدانید هر کس تقوای الهی پیشه کند [خداوند] برایش راه خروجی از فتنه‌ها و نوری از تاریکی‌ها قرار می‌دهد.» [محمدی‌ری‌شهری، محمد، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه: مسعودی، عبدالهادی، ج ۱، صص ۲۶۰-۲۶۱].

۱۷- علم آموزی

از دیدگاه امام علی علیه السلام، یکی از خصوصیات تقوا پیشگان، دانایی و ذکاوت است؛ چرا که آنان در کسب علم و دانش حریص‌اند: «حِرْصًا فِي عِلْمٍ وَعِلْمًا فِي حِلْمٍ»^۱ البته آنان تنها در کسب علمی حریص‌اند که آنان را به خدا نزدیک می‌گرداند: «قال علی علیه السلام: إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلْمَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا ... وَاتَّبَاعَ الْعِلْمِ وَمَا يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۲.

از سفارش‌های حضرت خضر علیه السلام به حضرت موسی علیه السلام است که: «بر دلت جامه‌ی پرهیزگاری بپوشان تا به دانش برسی»^۳ از دیگر سو، امام علی علیه السلام فرمودند: «دانش جز به پرهیزگاری پاکیزه نگردد»^۴ آری، صریح آیه‌ی قرآن، تقوا را موجب فرقان، یعنی علم تشخیص حق از باطل، معرفی می‌کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾^۵.

امام خمینی ره درباره‌ی رابطه‌ی علم و تقوا چنین آورده‌اند:

۱- «[متقین] حریص در دانش و برخوردار از دانایی همراه با بردباری هستند.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۲- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام الدین، ص ۱۲۱.

۳- محمدی ری شهری، محمد، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه: مسعودی، عبد الهادی، ج ۱، صص ۳۶۰ - ۳۶۱.

۴- همان.

۵- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد؛ و گناهانتان را از شما می‌زداید؛ و شما را می‌آموزد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است.» [انفال/ ۲۹].

«و این که جناب ربوی جلّ جلاله در کریمه‌ی مبارکه‌ی ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ﴾^۱ تعلیم الهی را مربوط به تقوا فرموده برای همین است که تقوا صفای نفس دهد و آن را به مقام غیب مقدّس مرتبط کند، پس تعلیم الهی و القای رحمانی واقع گردد؛ زیرا که در مبادی عالیّه بخل محال است و آنها واجب الفیاضیه هستند، چنانچه واجب الوجود بالذات واجب از جمیع حیثیات است.»^۲

۱۸- خردگرایی

امام باقر (علیه السلام) تقوا را سبب خردورزی و مانع کوری و نادانی می‌داند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقِي بِالْتَّقْوَى عَنِ الْعَبْدِ مَا عَزَبَ عَنْهُ عَقْلُهُ وَ يُجَلِّي بِالْتَّقْوَى عَنْهُ عَمَاهُ وَ جَهْلَهُ ...»^۳ در قرآن نیز آمده است: ﴿وَاتَّقُونَ يَا أُولِي الْأَبْصَارِ﴾^۴.

۱۹- صبر و شکیبایی

طبق آیات قرآن کریم، از آثار تقوا، صبر است:

﴿وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۵.

۱- بقره / ۲۸۲.

۲- موسوی خمینی، سید روح ا...، شرح چهل حدیث (ربعین حدیث)، ص ۳۷۳.

۳- «خدانود بزرگ به سبب تقوا، آنچه را از چشم خرد بنده دور ماند، نگه دارد و با تقوا، کوری و نادانی را از او دور گرداند.» [محمدی ری شهری، محمد، خردگرایی در قرآن و حدیث، ترجمه: مهریزی، مهدی، ص ۳۲-۳۱].

۴- «... و ای خردمندان! از من پروا کنید.» [بقره / ۱۹۷].

۵- «و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیبایانند، آنانند کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگارانند.» [بقره / ۱۷۷].

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز صبر را از آثار تقوا می دانند. از منظر ایشان، متقی در سختی شکیباست: «وَصَبْرٌ أَفِي شِدَّةٍ»^۱ و آنان به واسطه‌ی صبر و شکیبایی‌شان در تحمل سختی‌ها و مشکلات گذرای دنیوی، به معامله‌ای سودمند با خداوند در می آیند: «صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً تَجَارَةً مُرِيحَةً يَسْرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ...»^۲؛ چراکه خداوند انتقام گیرنده‌ی حق صابرين از ستمکاران است: «وَإِنْ بُغِيَ عَلَيْهِ صَبْرٌ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَنْتَقِمُ لَهُ.»^۳

۲۰- یقین

از آثار تقوا، یقین است. امام علی علیه السلام درباره‌ی یقین اهل تقوا به عذاب و پاداش اخروی چنین می فرماید: «فَهُمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ وَهُمْ وَالنَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ.»^۴

۱- سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳.

۲- «روزهایی اندک شکیبایی کردند که برایشان آسایشی بلند مدت را به ارمغان آورد، و این معامله‌ای سودبخش است که خداوند برایشان فراهم ساخت...» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۳- «اگر به او ستم شود شکیبایی می‌ورزد تا انتقامش را خداوند بگیرد.» [همان].

۴- «بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده‌اند، و از نعمت‌های آن برخوردارند، و آتش دوزخ برایشان چنان است که گویی آن را دیده‌اند و عذاب آن را می‌چشند.» [همان].

مرتبه‌ی پایین‌تر از آن این است که آدمی باور داشته باشد و پرده‌های پاکی را ندرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَىٰ وَإِنْ قَلَّ وَاجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ سِتْرًا وَإِنْ رَقَّ»^۱ «الَّا وَبِالتَّقْوَىٰ تُقَطَّعُ حُمَةُ الْخَطَايَا وَبِالْيَقِينِ تُدْرَكُ الْغَايَةُ الْقُصْوَىٰ ...»^۲

۲۱- صداقت

صداقت و راستگویی از نشانه‌های بارز تقوا پیشگان است:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۳

رابطه‌ی میان تقوا و صداقت، رابطه‌ای تعاملی و دوسویه است:

﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۴

از دیدگاه امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز صداقت از نشانه‌های تقوا پیشگان است. ایشان در حدیثی، اولین نشانه‌ی اهل تقوا را راستی در گفتار دانسته‌اند: «انَّ لِأَهْلِ التَّقْوَىٰ عِلْمَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقُ الْحَدِيثِ ...»^۵

۱- «از خدا بترس هر چند اندک؛ و میان خود و خدا پرده‌ای قرار ده هر چند نازک.» [همان، حکمت ۲۴۲].

۲- «آگاه باشید با پرهیزکاری، ریشه‌های گناهان را می‌توان برید، و با یقین می‌توان به برترین جایگاه معنوی، دسترسی پیدا کرد...» [همان، خطبه‌ی ۱۹۳].

۳- «... آنانند کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگارانند.» [بقره/ ۱۷۷].

۴- «و آن کسی که راستی آورد و آن را باور نمود آنانند که خود پرهیزگارند.» [زمر/ ۳۳].

۵- «همانا برای پرهیزگاران نشانه‌هایی است که به آنها شناخته می‌شوند، [یکی از این نشانه‌ها] راست گفتاری است و...» [دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، اعلام‌الدین، ص ۱۲۲].

از نشانه‌های متقین، زهد و بی‌رغبتی آنان به دنیای مذموم است. از دیدگاه مولای متقیان حضرت علی علیه السلام متقی «آرزویش کوتاه»^۱ و بی‌تمایل به لذت‌های ناپایدار دنیوی است: «... قُلُوبُهُمْ مَخْرُونَةٌ وَ شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ وَ أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ وَ حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ وَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ... أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوهَا وَ أَسْرَتْهُمْ فَفَدَوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا... قُرَّةٌ عَيْنِهِ فِيمَا لَا يَزُولُ وَ زَهَادَتُهُ فِيمَا لَا يَبْقَى...»^۲ اینان، به تبعیت از کلام امیرمؤمنان علیه السلام، علی‌ق و وابستگی‌های خود به دنیا را بریده‌اند: «... فَقَطَّعُوا عِلَاقَتِ الدُّنْيَا وَ اسْتَظْهَرُوا بِرِزَادِ التَّقْوَى...»^۳

مولای متقیان در سفارشی تمثیلی به جابر، دنیا را گذرا و همچون آفتاب بعد از ظهر، زودگذر و فانی معرفی کرده که تنها با تقویان فریب زیبایی آن را نخواهند خورد:

«وَ اعْلَمْ يَا جَابِرُ أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَيْسَرُ أَهْلِ الدُّنْيَا مُمُونَةً وَ أَكْثَرُهُمْ لَكَ مُمُونَةً تَذَكُرُ فَيَعِينُونَكَ وَ إِنْ نَسِيتَ ذَكَرُواكَ فَوَالْوَنَ بِأَمْرِ اللَّهِ فَوَالْمُونَ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ فَطَعُوا مَحَبَّتَهُمْ بِمَحَبَّةِ رَبِّهِمْ وَ وَحَشُوا الدُّنْيَا لِطَاعَةِ مَلِكِهِمْ وَ نَظَرُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِلَى مَحَبَّتِهِ بِقُلُوبِهِمْ وَ عَلِمُوا أَنَّ ذَلِكَ هُوَ الْمَنْظُورُ إِلَيْهِ لِعَظِيمِ شَأْنِهِ فَأَنْزَلَ الدُّنْيَا كَمَنْزِلِ نَزْلَتِهِ ثُمَّ ارْتَحَلَتْ

۱- سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج‌البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳.

۲- دل‌هایشان اندوهگین، مردم از آزارشان در ایمنی، پیکرهایشان نحیف، نیازهایشان ناچیز و جانشان پاک و با عفت است... دنیا، بند اسارت خویش را به آنان بست، ولی آنان جانشان را هدیه دادند [و خود را از این بند رها ساختند]... روشنایی چشمش در لذتی است که جاودان است، و عدم تمایلش به لذتی است که ناپایدار است... [همان].

۳- «...پس رشته‌های علاقه‌ی خود را از دنیا قطع کنید و بر توشه‌ی تقوا تکیه نمایید...» [همان،

خطبه‌ی ۲۰۴].

عَنْهُ أَوْ كَمَالٍ وَجَدْتَهُ فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظْتَ وَكَانَ مَعَكَ مِنْهُ شَيْءٌ
إِنِّي [إِنَّمَا] ضُرْبْتُ لَكَ هَذَا مَثَلًا لِأَنَّهَا عِنْدَ أَهْلِ اللَّبِّ وَالْعِلْمِ بِاللَّهِ
كَفَىءِ الظَّلَالِ ...»

«و بدان ای جابر که اهل تقوا کم هزینه ترین اهل دنیایند و تو را از همه بیشتر یاری کنند، تا تذکر دهی یاریت کنند و اگر فراموش کنی یادت آورند. امر خدای را گویند و بر امر خدا ایستادگی دارند. برای دوستی پروردگارشان دل از همه چیز کنده و به خاطر اطاعت مالک خویش از دنیا در هراسند و از صمیم دل به سوی خدای عزوجل و محبت او متوجه گشته و دانستند که هدف اصلی همین است، به خاطر عظمت شأنی که دارد. پس دنیا را چون بار اندازی دان که در آن بار انداخته و سپس کوچ خواهی کرد. یا مانند ترقی و کمالی که در خواب به آن رسیده و چون بیدار شده‌ای چیزی از آن نداری. من این را به عنوان مَثَل برایت گفتم؛ زیرا دنیا در نظر خردمندان و خداشناسان مانند سایه‌ی بعد از ظهر است.»

۲۳- مسرت

اهل تقوا مسرت و آرامش روحی داشته و هیچ گونه حزن و اندوه و بیمی در دل ندارند:

﴿فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۱، ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ
اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾^۲.

۱- «... پس هر کس به پرهیزگاری و صلاح گراید، نه بیمی بر آنان خواهد بود نه اندوهگین می شوند. ایشان از دوستان خدا هستند.» [اعراف / ۳۵].

۲- «آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می شوند. همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده‌اند.» [یونس / ۶۲ - ۶۳].

آری، تقواییشان هیچ گونه ضرری به آنان نرسد و غمگین نگردند:
﴿وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ﴾^۱

۲۴- تواضع

از ویژگی‌های اهل تقوا، تواضع و فروتنی است. از منظر امام علی علیه السلام، متقین «رفتارشان همراه با فروتنی»^۲ است و به خاطر این تواضع و فروتنی درونی، «آنچه را به یادش آورده‌اند فراموش نمی‌کند»^۳ و «گوش خود را وقف شنیدن دانش سودمند ساختند»^۴ طبق سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «خداوند برتری را در تقوا دانسته است، در حالی که مردم آن را در نسب و حسب می‌خواهند، ولی به دست نمی‌آورند»^۵

از دیگر سو، آنان که متقی نیستند کبر و غرور سراسر وجود ایشان را فرا گرفته است. امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به معاویه چنین فرمودند: «و اما این که مرا به تقوا فرا خوانده‌ای؛ پس امیدوارم که اهل آن باشم و به خدا پناه می‌برم از این که در زمره‌ی کسانی درآیم که هر

۱- «و خدا کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند، به [پاس] کارهایی که مایه‌ی رستگاری‌شان بوده، نجات می‌دهد. عذاب به آنان نمی‌رسد و غمگین نخواهند گردید.» [زمر / ۶۱].

۲- «و مشیهم التواضع.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۳- «وَلَا يَنْسَى مَا دُرَّكَرَ.» [همان].

۴- «وَوَقَّفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ.» [همان].

۵- «روى عن النبى صلی الله علیه و آله و سلم: قال الله عزوجل يقول: وضعت خمسة فى خمسة... و وضعت الفخر فى التقوى و الناس يطلبونه بالانساب فلا يجدونه...» [حسانی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۴،

گاه به تقوا فرمان داده می‌شوند، غرور گناه ایشان را فرا می‌گیرد.^۱

کوتاه سخن این که، تواضع از مهم‌ترین آثار رفتاری تقوا است.

۲۵- اخلاق نیکو

از علامات و نشانه‌های تقوا، اخلاق نیکو است: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلْمَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا ... وَحُسْنُ الْخُلُقِ ...»^۲

از منظر امام علی علیه السلام، فرد با تقوا «خشمش را فرو خورده است»^۳، «بردباری‌اش را به دانش آمیخته است»^۴ و «دارای سینه‌ای گشاده و حلیم است»^۵.

یکی از نموده‌های اخلاق نیکو، دوستی است که متقین در این دنیا با همدیگر دوست هستند و دوستی ایشان در آخرت هم پایدار است:

﴿الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾^۶

۱- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه‌ی امیرالمؤمنین، ترجمه: حسینی، ابوالقاسم، «ژرفا»، ج ۶، ص ۱۹۳.

۲- دلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام الدین، ص ۱۲۱.

۳- «تَرَاهُ... مَيَّتَةً شَهْوَتُهُ مَكْظُومًا عَظِيمَةً.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۴- «يُخْرَجُ الْحِلْمُ بِالْعِلْمِ.» [همان].

۵- دلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام الدین، ص ۱۲۱.

۶- «در آن روز، یاران، جز پرهیزگاران، بعضی‌شان دشمن بعضی دیگرند.» [زخرف / ۶۷].

از آثار تقوا، احسان، بخشش، گشاده دستی، انفاق در راه خدا و خیر بودن است. البته این گشاده دستی و احسان از روی اعتدال است. خداوند در قرآن کریم ذکر کرده که متقین مال خود را در راه او انفاق می‌کنند: ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾^۱.

در روایات اسلامی «کمی بخل و نداشتن آن»^۲ از ویژگی‌های متقین برشمرده شده است. این صفت تا بدان‌جا مهم است که یکی از عوامل جنایت قایل به شمار می‌آید:

﴿وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبَلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾^۳.

فرد متقی «نفسش قانع»^۴ و «از طمع بیزار»^۵ است. «کار زشت از وی پنهان و کار نیک از او آشکار است. خوبی‌اش به افراد روی آورده، و بدی‌اش از آنان روی گردانده است»^۶، «آن کس را که بر وی ستم کرده کرده می‌بخشد»^۷ و «بر ضعیفان رحم می‌کند»^۱ ایشان سراسر خیر برداشت می‌کنند:

۱- «... و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.» [بقره/۴۳ و همچنین ر.ک: بقره/۱۷۷].

۲- «ان لَأَهْلِ النَّفْسِ عَاقِبَاتٌ يُعْرَفُونَ بِهَا... وَ قَلَّةٌ الْفَخْرُ وَ الْبُخْلُ.» [دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام‌الدین، ص ۱۲۱].

۳- «و داستان دو پسر آدم را به درستی برایشان بخوان، هنگامی که [هر یک از آن دو] قربانی پیش داشتند. پس، از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. [قایل] گفت: «حتماً تو را خواهم کشت.» [هابیل] گفت: «خدا فقط از تقوا پیشگان می‌پذیرد.» [مائده/۲۷].

۴- «قانعاً نفسه.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج‌البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ۱۹۳].

۱۹۳].

۵- «وَ تَحَرُّجاً عَن طَمَعٍ.» [همان].

۶- «عَانِيًا مُنْكَرَةً حَاضِرًا مَعْرُوفَةً مُقْبِلًا خَيْرُهُ مُدْبِرًا شَرُّهُ.» [همان].

۷- «يُعْطُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ يُعْطِي مَنْ حَرَمَهُ.» [همان].

﴿ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ﴾^۲

ایشان چون بزرگوار هستند، اهل ریا نبوده و نیاز خویش را به کسی جز پروردگارشان ابراز نمی کنند، لذا حتی اگر تهیدست و نیازمند هم باشند، به گونه ای رفتار می کنند که کسی از فقرشان مطلع نگردد: «فَمِنْ عِلْمَاءِ أَحَدِهِمْ ... وَتَجَمُّلاً فِي فِاقَةٍ»^۳

آری، اینان اهل گذشت و بخشش هستند:

﴿ وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴾^۴

نتیجه ی کلام این که، از آثار تقوا، احسان، در تمام جلوه های آن است.

۲۷- گشایش و آسانی

در قرآن کریم، از آثار تقوا، آسانی و گشایش یاد شده است: ﴿...وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾^۱ ﴿وَنَجِّنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾^۲

۱- «إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلْمَاتٍ يَعْرِفُونَ بِهَا... وَرَحْمَةً الصُّعْفَاءِ» [دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام الدین، ص ۱۱۲۱].

۲- «و به کسانی که تقوا پیشه کردند، گفته شود: «پروردگارتان چه نازل کرد؟» و گویند: «خوبی.» برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند [پاداش] نیکویی است، و قطعاً سرای آخرت بهتر است، و چه نیکوست برای پرهیزگاران.» [نحل / ۳۰].

۳- «و از نشانه های آنها [این که]... در حال تهیدستی دارای ظاهری آراسته اند...» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ی ۱۹۳].

۴- «و فرضی است بر مردان پرهیزگار که زنان طلاق داده شده را به شایستگی چیزی دهند.» [بقره / ۲۴۱].

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

«فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ ذُنُوبِهَا وَ اِخْلُوكَ لَهَا الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَ انْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأُمُوجُ بَعْدَ تَرَكْمِهَا وَ أَسَهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ انْصَابِهَا وَ هَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكِرَامَةُ بَعْدَ فُحُوطِهَا. وَ تَخَدَّبَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ نُفُورِهَا وَ تَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النُّعْمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا وَ بَلَكَتْ عَلَيْهِ الْبَرَكَاتُ بَعْدَ إِذْذَاهَا.»^۳

«هر کس به دامن تقوا چنگ زند، سختی‌ها که بدو نزدیک گشته از وی دور گردد، اموری که به کام وی تلخ گردیده شیرین شود، امواج فتنه‌هایی که گرداگردش را فرا گرفته از او فاصله گیرد، دشواری‌هایی که وی را به رنج انداخته برایش آسان شود، ابر کرامت که از بارش ایستاده بود بر وی بیارد، توسن رحمت که از وی رمیده بود بر او روی آورد، چشمه سار نعمت که خشک گشته بود برایش روان گردد و آسمان برکت که قطره قطره باریده بود سیل آسا بیارد.»

ایشان در جای دیگری، گشایش باب رحمت و نجات در سختی‌ها و مشکلات زندگی را به واسطه‌ی تقوا پیشگی دانسته و می‌فرمایند: «لَوْ أَنَّ

۱- «... و هر کس از خدا پروا دارد [خدا] برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد.»

[طلاق/۴].

۲- «و کسانی را که ایمان آورده بودند و پروا می‌داشتند رهانیدیم.» [فصلت/۱۸].

۳- سیّد رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج‌البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ كَأَنَّا عَلَى عَبْدٍ رَتَقًا ثُمَّ اتَّقَى اللَّهَ لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا مَخْرَجًا.^۱

در روایتی، ابن عباس از رسول خدا نقل می‌کند: «قرأ رسول الله ﷺ: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾^۲ فَقَالَ: مَخْرَجًا مِنْ شُبُهَاتِ الدُّنْيَا وَمِنْ عَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَشَدَائِدِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»^۳

زندگی متقین «سهل»^۴ و «از بلا و گرفتاری محفوظ» است: «... و انتصارك و املاً قلوبنا من كنوز التوكل و التقوى الواقية من البلوى برحمتك يا أرحم الراحمين.»^۵

آری، متقین در این دنیا با عزت و سربلندی در میان مردم زندگی می‌کنند: «روی عن رسول الله ﷺ أنه قال خصلة من لزمها أطاعته الدنيا والآخرة و ربح الفوز بالجنة قيل ما هي يا رسول الله قال التقوى من أراد أن يكون أعز الناس فليتق الله

۱- «اگر درهای آسمان و زمین بر بنده‌ای بسته شود آن گاه او تقوا را پیش گیرد، خداوند راه نجاتی برایش می‌گشاید.» [همان، خطبه‌ی ۱۳۰].

۲- طلاق / ۲.

۳- «روزی رسول خدا آیه ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ را قرائت کرده و سپس فرمودند: از شبهه‌های دنیا و گرداب‌های مرگ و سختی‌های روز قیامت است.» [محمدی ری شهری، محمد، علم و حکمت در قرآن، ترجمه: مسعودی، عبدالهادی، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۶۰].

۴- «سهلا امره.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: دکتر علی شیروانی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۵- «... یاری‌ات را بر ما بیوشان و دل‌های ما را از گنجینه‌های توکل و تقوایی که نگه‌دارنده از حادثه‌های ناگوار باشد، برگردان.» [ابن طاووس، سید علی، الأمان، ص ۱۴۲].

عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ تَلَا ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾.^{۲،۱}

زلیخا، همسر عزیز مصر نیز در انتها فهمید که راز آزادی غلامش یوسف علیه السلام تقوای الهی و راز گرفتاری خودش در گناه، بی تقوایی بوده است. در خبر است که همسر عزیز مصر (زلیخا) گفت: «... مَا أَحْسَنَ التَّقْوَى كَيْفَ حَرَّرْتَ الْعَبِيدَ وَمَا أَقْبَحَ الْخَطِيئَةَ كَيْفَ عَبْدتِ الْأَحْرَارَ».^۳

مولای متقیان حضرت علی علیه السلام تقوای الهی را عامل آزادی و رهایی از سلطه‌ی هر سلطه‌گر و ظالمی می‌دانند و می‌فرمایند: «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةُ مَعَادٍ وَ عِتْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ بِهَا يَنْجَحُ الطَّالِبُ وَ يَنْجُو الْهَارِبُ وَ تُنَالُ الرَّغَائِبُ».^۴

۱- طلاق / ۲- ۳.

۲- «از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که فرمودند: یک خصلت است که هر که بدان چسبد دنیا و آخرت در دسترس او باشد و به بهشت دست یابد که سود او است. گفتند: یا رسول الله! آن خصلت کدام است؟ فرمودند: تقوا و پرهیزگاری، هر که خواهد عزیزتر مردم باشد باید تقوا از خدا را پیشه‌ی خود سازد. سپس این آیه را خواندند: هر که از خدا تقوا دارد، بسازد برایش گشایش، و روزیش دهد از آنجا که گمان نبرد.» [کراچکی، ابوالفتح، کنزالفوائد، ج ۲، ص ۱۰].

۳- «چقدر تقوانیک است، چگونه بنده‌ای [یوسف] را آزاد کرد، و چقدر گناه زشت است که چگونه آزادی [زلیخا] را بنده کرد.» [طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، الأموال، ص ۴۵۷].

۴- «بی‌شک، تقوای الهی کلید رستگاری، و اندوخته‌ی معاد، و آزادی از سلطه‌ی هر سلطه‌گر، و رهایی از هر هلاکتی است. به وسیله‌ی تقواست که انسان جوینده به مراد خویش می‌رسد و شخص گریزان [از آتش دوزخ] رها می‌گردد و آدمی به خواسته‌هایش دست می‌یابد.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج‌البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۲۳۰].

خلاصه‌ی کلام این که، از مهم‌ترین آثار تقوا در این دنیا گشایش و آسانی امور است.

۲۸- عبادت

عبادت و بندگی در دو معنای عام و خاص آن از آثار تقواست. افراد متقی «در عبادت خاشع»^۱ هستند. امام علی علیه السلام عبادت ایشان را چنین توصیف می‌نمایند:

«أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا يُحْزَنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا وَتَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَظَنُّوا أَنَّهَا نُصَبٌ أَعْيَنِهِمْ وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَصْغَعُوا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَشَهيقَهَا فِي أَصُولِ آذَانِهِمْ فَهُمْ حَانُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ مُفْتَرِشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَأَكْفَهُمْ وَرَكَبِهِمْ وَأَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ يَطُئُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَاكِ رِقَابِهِمْ»^۲

«اما در شب به پا ایستاده‌اند، و قرآن را جزء به جزء و شمرده و سنجیده می‌خوانند، و با خواندن آن اندوهی معنوی [و شیرین و نشاط بخش] در خود پدید می‌آورند. هرگاه از آیه‌ای می‌گذرند که در آن بشارتی است، به آن طمع کرده و می‌آرمند، و روحشان از سر اشتیاق به آن خیره خیره می‌نگرد، و گمان می‌کنند که آنچه بدان بشارت داده شده در برابر دیدگانشان قرار گرفته، و هرگاه به آیه‌ای می‌رسند که در آن بیمی داده شده، گوش دل به آن می‌سپارند، و پندارند که صدای شعله‌های فروزان آتش بیخ گوش ایشان است. با رکوع پشت خود را

۱- «وَحْشُوعًا فِي عِبَادَةٍ» [همان، خطبه‌ی ۱۹۳].

۲- سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳.

خم کرده اند، و با سجود پیشانی و دست و زانو و انگشتان پا را بر زمین گسترده اند، و از خداوند می خواهند که طوق عذاب از گردن هایشان بگشاید.»

ایشان، در شب این گونه به عبادت به معنای عام می پردازند و در روز به عبادت به معنای خاص مشغولند: «وَأَمَّا النَّهَارَ فَحَلَمَاءُ غُلَمَاءُ أَبْرَارٌ أَتْقِيَاءُ...»^۱

ایشان، تمامی رفتارشان را عبادت گونه و برای رضای حق تعالی انجام می دهند:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ شَعَلِ التَّفَكُّرُ قَلْبَهُ وَأَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ وَأَسْهَرَ التَّهَجُّدُ غِرَارَ نَوْمِهِ وَأَطَمَأ الرِّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ وَظَلَفَ الزُّهْدُ شَهْوَاتِهِ وَأَوْجَفَ الذُّكْرُ بِلِسَانِهِ وَقَدَّمَ الْخَوْفَ لِأَمَانِهِ وَتَنَكَّبَ الْمَخَالِجَ عَنْ وَضَحِ السَّبِيلِ وَسَلَكَ أَقْصَدَ الْمَسَالِكِ إِلَى النَّهْجِ الْمَطْلُوبِ وَلَمْ تَفْتَلُهُ فَاتَاتُ الْغُرُورِ وَلَمْ تَعْمَ عَلَيْهِ مُشْتَبِهَاتُ الْأُمُورِ ظَافِرًا بِفِرْحَةِ الْبُشْرَى وَرَاحَةَ النُّعْمَى فِي أَنْعَمِ نَوْمِهِ وَأَمِنَ يَوْمِهِ وَقَدْ عَبَّرَ مَعْبَرِ الْعَاجِلِ حَمِيدًا وَقَدَّمَ زَادَ الْأَجَلِ سَعِيدًا وَبَادَرَ مِنْ وَجَلٍ وَأَكْمَشَ فِي مَهَلٍ وَرَغِبَ فِي طَلَبٍ وَذَهَبَ لَصَدَقِ مِعَادِهِ وَالْحَذَرَ مِنْ هَوْلِ مَعَادِهِ.»^۲

«پس تقوای الهی را در پیش گیرید همچون تقوای کسی که شنید و خاشع گشت، معصیت کرد و اعتراف نمود، ترسید و به کار پرداخت، برحذر شد و به سوی نیکی شتافت، یقین

۱- «و اما در روز بردبارند و دانشمند، نیکو کارند و پرهیز کار ...» [همان].

۲- همان، خطبه ی ۸۳.

کرد و احسان نمود، اندرز شنید و پذیرفت، او را برحذر داشتند و او دوری جست، منعش کردند و او خودداری نمود، دعوت حق را اجابت کرد و به خدا روی آورد، از گناه بازگشت و توبه نمود، به رهبران الهی اقتدا کرد و راه ایشان را پیمود، حقیقت را به او نشان دادند و او دید، پس حق جویان شتافت، و گریزان از گناه نجات یافت، سود طاعت را ذخیره کرد، و درونش را پاکیزه ساخت، قیامتش را آباد نمود، و برای روز کوچ و راهی که در پیش دارد، وقت نیاز و تهیدستیش زاد و توشه فراهم آورد، و آن را پیشاپیش برای اقامتگاه خویش فرستاد. پس ای بندگان خدا! تقوای الهی داشته باشید و راهی را که برای آن آفریده شده‌اید در پیش گیرید، و از خدا تا نهایت جایی که شما را از خود بر حذر داشته بترسید و برحذر باشید. خود را سزاوارتر تحقق وعده‌ی صادقانه‌ی حق کنید تا از آنچه برایتان فراهم ساخته بهره‌مند شوید، و از بیم روز معاد برکنار بمانید.»

۲۹- رستگاری

در آیات زیادی از قرآن کریم رستگاری از آثار تقوا بر شمرده شده است. خداوند درباره‌ی متقین فرموده است:

﴿أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱

فلاح و رستگاری در بیشتر آیات قرآن مشروط ذکر شده است و همانا شرط آن، تحقق تقوای الهی است:

۱- «آنهايند که از هدايتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگارانند.»

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱، «... فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۳.

پرهیز گاران سرای آخرت را برای خود تضمین کرده اند:

﴿... وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۴.

البته این سرای آخرت در عوض اعمال نیک و پرهیز گاری آنان است، همچون به پا داشتن نماز، صبر و ... است که در دنیا صورت پذیرفته:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لِنَسْأَلَكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾^۵.

در روایات اسلامی نیز تقوا مایه‌ی رستگاری معرفی شده است. رسول خدا ﷺ می فرماید:

«خَصْلَةٌ مَنْ لَزِمَهَا أَطَاعَتْهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَرَبِحَ الْفَوْزَ بِقُرْبِ اللَّهِ تَعَالَى فِي دَارِ السَّلَامِ قِيلَ وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ التَّقْوَى قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ ثُمَّ تَلَا

۱- «... و از خدا بترسید، باشد که رستگار گردید.» [بقره / ۱۸۹].

۲- «... پس ای خردمندان، از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید.» [مائده / ۱۰۰].

۳- «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید، و به او [توسّل و] تقرب جویند، و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.» [مائده / ۳۵].

۴- «... و فرجام [نیک] برای پرهیز گاران است.» [اعراف / ۱۲۸].

۵- «و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکبیا باش. ما از تو جویای رزی نیستیم، ما به تو روزی می دهیم، و فرجام [نیک] برای پرهیز گاری است.» [طه / ۱۳۲].

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^۱

«یک خصلت است که هر کس آن را، ملازمت کند اطاعت کند او را در دنیا و آخرت، و سود برد فایز شدن تقرب الهی را در بهشت. گفتند: آن چیست یا رسول الله؟ فرمودند: تقوا و پرهیزگاری، پس هر که می خواهد عزیزترین مردم باشد تقوا پیشه کند و از خدا پرهیزد و سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾»

و امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «فَارَزَّ مَنْ اسْتَصْبَحَ بِنُورِ الْهُدَى وَ خَالَفَ دَوَاعِيَ الْهَوَى وَ جَعَلَ [جمل] الْإِيمَانَ عُدَّةً مَعَادِهِ وَ التَّقْوَى ذُخْرَهُ وَ زَادَهُ.»^۲

آری، تقوا مایهی رستگاری است، همان گونه که خداوند فرمود: ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾^۳

ب- آثار اجتماعی

مراد از آثار اجتماعی تقوا آن دسته از آثاری است که تأثیر مستقیم در رشد حیات اجتماعی و توسعهی آن دارد.

۱- وفای به عهد

۱- کراچکی، ابوالفتح، معدن الجواهر، ص ۲۱.

۲- «پیروزی یافته هر که چراغ افروزی کند به نور هدایت، و مخالفت کند خواننده‌های هوا را، و ایمان را آماده شده روز بازگشت خود، و پرهیزگاری را ذخیره‌ی خود و توشه‌ی خود بگرداند.» [آمدی، عبدالواحد التمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۴].

۳- «مسلماً پرهیزگاران را رستگاری است.» [نبأ / ۳۱].

طبق آیات قرآن کریم، آن دسته از افرادی که متقی هستند همیشه به عهدهایی که با دیگران بسته‌اند وفادارند:

﴿... وَالْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۱.

امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام نیز یکی از نشانه‌های متقین را وفای به عهد دانسته‌اند: «إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا ... وَوَفَاءٌ بِالْعَهْدِ»^۲
 ۲- رشد جامعه

رشد جامعه از نظر مادی و معنوی در گرو دسته‌ای از عوامل است و یکی از آنها تقوا است.

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم این عامل را در رشد جامعه حیاتی دانسته‌اند: «لَا تَزَالُ أُمَّتِي يَخِيرُ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نُزِعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَسُلْطَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَكَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ»^۳
 ۳- وحدت

۱- «... و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیا یابند آنانند کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگارانند.» [بقره/ ۱۷۷].

۲- «اهل تقوا علایم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند ... پابندی به عهد و پیمان [از نشانه‌هایشان است.]» [دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام النبیین، ص ۱۲۲].

۳- «تا زمانی که امت من امر به معروف و نهی از منکر کنند، و در کار نیک به یاری یکدیگر برخیزند، بر خیر و سلامتند؛ و چون چنین نکنند، برکات از ایشان گرفته می‌شود، و بعضی از آنان بر بعضی دیگر مسلط خواهند شد، و دیگر یابوری در زمین و آسمان نخواهد داشت.» [طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱].

تقوا و پارسایی محوری برای وحدت مسلمین است. صاحب شواهد التنزیل در ذیل تفسیر آیه‌ی ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ﴾^۱ مراد از آن را اتحاد امت اسلامی بر تقوا دانسته است: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ﴾ بَعَثَكَ فِيهِمْ نَبِيًّا [وَجَمَعَكُمْ عَلَى التَّقْوَىٰ يَا مُحَمَّدًا].^۲ یا محمد! تو را در میان آنان مبعوث و آنان را بر محور تقوا جمع کرده است.»

۴- امانت‌داری

امانت‌داری، قوام بخش روابط اجتماعی مردم است. در روایتی از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام آمده است که ادای امانت از نشانه‌های پرهیزگاران است: «إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَىٰ عِلْمَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا ... وَ أَدَاءَ الْأَمَانَةِ.»^۳

۵- پذیرش مسؤولیت دینی

یکی دیگر از آثار تقوا در زندگی دنیا، پیشنهاد و واگذاری مسؤولیت‌های شرعی به افراد است:

﴿وَمَا لَهُمْ آلًا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّفُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾.^۴

۱- تین / ۸.

۲- الحسکانی، ابوالقاسم عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلہ فی اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۵۳.

۳- «اهل تقوا علایم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند ... و امانت‌داری [از نشانه‌هایشان است.]» [دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام الدین، ص ۱۲۲].

۴- «چرا خدا [در آخرت عذابشان نکند، با این که آنان [مردم را] از [زیارت] مسج الحرام باز می‌دارند، در حالی که ایشان سرپرست آن نباشند؛ چرا که سرپرست آن جز پرهیزگاران نیستند، ولی بیشترشان نمی‌دانند.» [انفال/۳۴].

در این آیه، پرده‌داری خانه‌ی خدا که بالاترین مسؤولیت شرعی آن زمان بوده در شأن و لیاقت پرهیزگاران برشمرده شده است. این موضوع قابل تعمیم بر دیگر مناصب مذهبی جامعه می‌باشد؛ چرا که جامعه‌ی اسلامی باید توسط رهبران و مسؤولانی با تقوا و پارسا اداره شود تا افراد جامعه را در نیل به سوی تقوا و خدامحوری هدایت و راهنمایی کنند.

۶- صله‌ی رحم

از اختصاصات متقین صله‌ی رحم است: «إِنَّ لِلْأَهْلِ التَّقْوَىٰ عِلْمَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا ... وَصَلَةُ الرَّحِمِ»^۱ البته مراد صله‌ی رحمی است که حرام در آن وارد نشود. متقین نیز با کسی که از وی بریده، می‌پیوندند: «يَصِلُ مَنْ قَطَعَهُ»^۲

آثار تقوا در آخرت

۱- بهترین توشه

طبق آیات قرآن کریم و سنت ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام، بهترین توشه‌ی آدمی از این عالم برای سرای آخرت و دیار ابدیت، تقوای الهی است:

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾^۳.

۱- «اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند ... و صله‌ی رحم [از نشانه‌هایشان است]» [دیلمی احسن بن ابی الحسن، اعلام‌الدین، ص ۱۲۱].

۲- «انسان پرهیزگار [با کسی که از وی بریده می‌پیوندد...» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج‌البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۳- «... و برای خود توشه برگیرید که در حقیقت، بهترین توشه، پرهیزگاری است، و ای خردمندان! از من پروا کنید.» [بقره/ ۱۹۷].

حضرت علیؑ در کلامی خطاب به اهل قبور فرمودند:
 «... هَذَا خَيْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَيْرٌ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ التَّفَتَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ
 أَمَا [وَاللَّهِ لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ
 التَّقْوَى.]»^۱

آدمیان تا در این دنیا هستند زندگی دنیا در نظر ایشان نیکو جلوه
 می‌کند، ولی باور ندارند که در پس این دنیا آخرت را در پیش رو
 دارند:

﴿زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا
 وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ
 حِسَابٍ﴾^۲

غافل از این که سرای آخرت و دیار باقی برای ایشان بسی بهتر و پر
 سودتر است، برای آنان که تقوای الهی را در پیش گیرند و ایمان
 آورند:^۳

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرَثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ
 هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ
 أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ

۱- «... این خبری است که ما داریم، حال شما چه خبر دارید؟ [سپس به اصحاب خود رو
 کرد و فرمود] بدانید که اگر اجازه‌ی سخن گفتن داشتند، شما را خبر می‌دادند که: بهترین توشه، تقوا
 است.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: دکتر علی شیروانی،
 حکمت ۱۳۰].

۲- «زندگی دنیا در چشم کافران آراسته شده است، و مؤمنان را ریشخند می‌کنند و [حال آن که]
 کسانی که تقوایشه بوده‌اند، در روز رستاخیز، از آنان برترند و خدا به هر که بخواهد، بی‌شمار روزی
 می‌دهد.» [بقره/ ۲۱۲].

۳- یوسف/ ۵۷.

وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ الْأُخْرَىٰ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١﴾

«آن گاه بعد از آنان، جانشینانی وارث کتاب [آسمانی] شدند که متاع این دنیای پست را می گیرند و می گویند: «بخشیده خواهیم شد.» و اگر متاعی مانند آن به ایشان برسد [باز] آن را می ستانند. آیا از آنان پیمان کتاب [آسمانی] گرفته نشده که جز به حق نسبت به خدا سخن نگویند، با این که آنچه را که در آن [کتاب] است آموخته اند؟ و سرای آخرت برای کسانی که پروا پیشه می کنند بهتر است. آیا باز تعقل نمی کنید؟»

﴿وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۲ «و زرو زیورهای [دیگر نیز]، و همه ی این ها جز متاع زندگی دنیا نیست، و آخرت پیش پروردگار تو برای پرهیزگاران است.»

در صورتی که در روز رستاخیز کوچک ترین ظلمی به هیچ کس روا نمی شود:

﴿...قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظَلِّمُونَ فَتِيلًا﴾^۳

باید کمی درنگ و تأمل نمود^۱ و دیار آخرت را انتخاب کرد و در این دنیا چنان که شایسته ی آخرت است کوشید؛ چرا که خداوند فقط

۱- اعراف / ۱۶۹.

۲- زخرف / ۳۵.

۳- «بگو: برخوردار ی [از این] دنیا اندک، و برای کسی که تقوا پیشه کرده، آخرت بهتر است، و [در آنجا] به قدر نخ هسته ی خرما یی بر شما ستم نخواهد رفت.» [نساء / ۷۷].

تقوا پیشگان را نجات خواهد داد و ایشان را گروه گروه به سوی خود محشور می کند:

﴿ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ﴾^۲، ﴿ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴾^۳، ﴿ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾^۴.

و ستم پیشگان به زانو در افتاده به سوی جهنم روانه خواهند شد:^۵

﴿ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ﴾^۶

۲- بهشت برین

آیات و روایاتی که نشان از عاقبت نیکوی اهل تقوا در بهشت دارد به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند؛ دسته‌ی اول: آیات و روایاتی که در آن صرفاً وارد بهشت شدن عنوان شده، ولی از اوصاف بهشت در آنها توضیحی نیامده است. دسته‌ی دوم: آیات و روایاتی که اوصاف بهشت در آنها برشمرده شده است.

۱- یوسف / ۱۰۹، انعام / ۳۲؛ و نیز رک: طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۱۱، ص ۳۸۰.

۲- «این همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزگار باشند به میراث می‌دهیم.» [مریم / ۶۳].

۳- «آن گاه کسانی را که پرهیزگار بوده‌اند می‌رهانیم، و ستمگران را به زانو در افتاده در [دوزخ] رها می‌کنیم.» [مریم / ۷۲].

۴- «روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد، مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد. و آن روز [بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می‌گردد.» [شعراء / ۹۰-۸۸].

۵- مریم / ۷۲.

۶- «[یاد کن] روزی را که پرهیزگاران را به سوی [خدای] رحمان گروه گروه محشور می‌کنیم.» [مریم / ۸۵].

الف) دسته‌ی اول: مراد، آیاتی است که فقط بشارت به بهشت داده و اوصاف آن را توضیح نداده است و یا علت وارد بهشت شدن را ذکر نموده است:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾^۱

و گاه فقط به ایشان خوشامد گفته است:

﴿وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾^۲

علامه طباطبایی^۳ از عبارت ﴿جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾ چنین استفاده می‌کند: «خداوند چنین مقرر فرموده است که عاقبت خیر، با داشتن ایمان و تقوا محقق می‌شود و عاقبت بد در پیروی از کفر و معصیت است.»^۳

راستی که سرنوشت متقین جایی جز بهشت نمی‌تواند باشد: ﴿قُلْ أُولَٰئِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَأَنَّهُمْ لَهَمَّ جَزَاءٍ وَمَصِيرًا﴾؛^۴ بهشتی که از دیدگاه امام علی^{علیه السلام} مأمَن، مأوی و محلّ قرار و

۱- «بی‌گمان، پرهیزگاران در باغ‌ها و چشمه‌ساراند.» [حجر / ۴۵، ذاریات / ۱۵].

۲- «و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند، تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند: «سلام بر شما، خوش آمدید، در آن درآیید [و] جاودانه [بمانید].» [زمر / ۷۳] و نیز ر.ک: سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۰.

۳- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر ج ۱۳، ص ۷۴.

۴- بگو: «آیا این [عقوبت] بهتر است یا بهشت جاویدان که به پرهیزگاران وعده داده شده است که پاداش و سرانجام آنان است؟» [فرقان / ۱۵].

آرام گرفتن است: «عَلَيْكُمْ بِلُزُومِ الْيَقِينِ وَ التَّقْوَى فَإِنَّهُمَا يُبَلِّغَانِكُمْ جَنَّةَ الْمَأْوَا»^۱

از دیدگاه امام علی علیه السلام، یکی از اموری که بیشتر اهل بهشت بدان وارد بهشت می گردند تقوا است: «أَكْثَرُ مَا يُدْخِلُ النَّاسَ الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ خَيْرُ مَا أُعْطِيَ الْإِنْسَانَ الْخُلُقُ الْحَسَنُ وَ خَيْرُ الزَّادِ مَا صَحِبَهُ التَّقْوَى وَ خَيْرُ الْقَوْلِ مَا صَدَقَهُ الْفِعْلُ»^۲

ایشان در سخنرانی که در مدینه پس از بیعت با ایشان، ایراد فرمودند، اظهار داشتند: «هان ای مردم! پرهیزگاری مرکب‌هایی است رام که پرهیزگاران بر آن سوار شده، لگام آن را به دست گرفته‌اند، که آنان را به بهشت می‌رساند»^۳

(ب) دسته‌ی دوم: آیاتی که به توضیح بهشت پرداخته خود دو دسته‌اند:

۱- آیاتی که به جنبه‌ی معنوی این نعمت پرداخته است. گاه این نعمت وعده‌ی الهی دانسته شده که در آن تخلفی نیست:

۱- «فراگیرید لازم بودن یقین و پرهیزگاری را، پس به درستی که آنها می‌رسانند شما را به بهشت که مأوی و جایگاه [متقیان] است.» [نوری، میرزا محمد حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۰].

۲- «بیشتر وسیله‌ای که مرد را وارد بهشت می‌کند پرهیزکاری از خدا است و بهترین چیزی که انسان به مردم ببخشد خوی‌نیک است و بهترین زاد و توشه آنست که همراه با پرهیزکاری باشد و بهترین گفته آن است که عمل آن را تصدیق کند.» [دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۴].

۳- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه‌ی امیرالمؤمنین، ترجمه مهریزی، مهدی، ج ۴، ص ۱۵۴.

﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ﴾^۱.

گاه جایگاه ایشان نزد پروردگارشان دانسته شده است:

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ﴾^۲، ﴿وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلْ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ﴾^۳.

ایشان در جایگاه صدق و نزد پادشاهی مقتدر سکنی گزیده‌اند:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾^۴.

آری، ایشان آنچه را که نزد پروردگارشان است بهتر می‌دانند:

﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ﴾^۵.

۱- «لیکن کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند، برای ایشان غرفه‌هایی است که بالای آنها غرفه‌هایی [دیگر] بنا شده است؛ نه‌رها از زیر آن روان است. وعده‌ی خداست؛ خدا خلاف وعده نمی‌کند.» [زمر/۲۰].

۲- «برای پرهیزگاران، نزد پروردگارشان باغستان‌های پر ناز و نعمت است.» [قلم/۳۴].

۳- «و به کسانی که تقوا پیشه کردند، گفته شود: «پروردگارتان چه نازل کرد؟» می‌گویند: «خوبی.» برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند [پاداش] نیکویی است، و قطعاً سرای آخرت بهتر است، و چه نیکوست سرای پرهیزگاران بهشت‌های عدن که در آن داخل می‌شوند رودها از زیر [درختان] آنها روان است در آنجا هر چه بخواهند برای آنان [فراهم] است. خدا این گونه پرهیزگاران را پاداش می‌دهد.» [نحل/۳۰].

۴- «در حقیقت، مردم پرهیزگار در میان باغ‌ها و نه‌رها، در قرارگاه صدق، نزد پادشاهی توانایند.» [قمر/۵۴-۵۵].

۵- «ولی کسانی که پروای پروردگارشان را پیشه ساخته‌اند باغ‌هایی خواهند داشت که از زیر [درختان] آنها نه‌رها روان است. در آنجا جاودانه بمانند؛ [این] پذیرایی از جانب خداست، و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است.» [آل عمران/۱۹۸؛ و نیز رک: نحل/۳۱].

و بالاتر از همه، رضایت الهی است که قسمت پرهیزگاران خواهد شد:

﴿لَّذِينَ اتَّقُوا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾^۱.

۲- آیاتی که رویکرد مادی به بهشت دارد. گاه آیات درباره‌ی کیفیت تغذیه و مسکن اهل بهشت است:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ وَفَوَاكِهٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾^۲

و گاه نیازهای روحی ایشان مد نظر قرار گرفته شده است:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ كَذَلِكَ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ فَضْلًا مَن رَّبَّكَ ذَلِكِ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^۳

۱- «... برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نزد پروردگارشان باغ‌هایی است که از زیر [درختان] آنها نهرها روان است؛ در آن جاودانه بمانند، و همسرانی پاکیزه و [نیز] خشنودی خدا [را دارند]، و خداوند به [امور] بندگان [خود] بیناست.» [آل عمران / ۱۵].

۲- «اهل تقوا در زیر سایه‌ها و بر کنار چشمه‌ساراند؛ با هر میوه‌ای که خوش داشته باشند. به [پاداش] آنچه می‌کردید، بخورید و بیاشامید؛ گواراتان باد. ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم.» [مرسلات / ۴۱-۴۴؛ و نیز رک: رعد / ۳۵، محمد ﷺ / ۱۵، آل عمران / ۳۳، طور / ۱۷-۲۰].

۳- «به راستی پرهیزگاران در جایگاهی آسوده‌اند؛ در بوستان‌ها و کنار چشمه‌سارها. پرنیان نازک و دیبای سبتر می‌پوشند [و] برابر هم نشسته‌اند. [آری]، چنین [خواهد بود] و آنها را با حوریان درشت چشم همسر می‌گردانیم. در آنجا هر میوه‌ای را [که بخواهند] آسوده خاطر می‌طلبند. در آنجا جز مرغ نخستین، مرغ نخواهند چشید و [خدا] آنها را از عذاب دوزخ نگاه می‌دارد. [این] بخششی است از جانب پروردگار تو. این است همان کامیابی بزرگ.» [دخان / ۵۱-۵۷؛ و نیز رک: نبأ / ۳۱-۳۶، ص / ۴۹-۵۴].

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- تقوا در لغت به معنی پرهیز‌گاری و نگاه‌داری کامل است، و در اصطلاح، به معنای آن است که انسان نفس خود را از آنچه در آخرت برایش ضرر دارد، حفظ کند و همچنین با انجام طاعات و عبادات و ترک محرمات، خود را از عقوبت حق دور نماید.

۳- آثار تقوا که نمایانگر چهره و سیمای متقین می‌باشد در قرآن و احادیث از منظر اخروی و دنیوی قابل استخراج‌اند. آثار دنیوی تقوا نیز خود قابل تقسیم به آثار فردی و آثار اجتماعی است.

۴- برخی از آثار فردی تقوا در دنیا را می‌توان موارد ذیل دانست:

خدا محوری: جلال و بزرگی، یاد، محبت، ایمان و رضای باری تعالی که در سراسر زندگی پروا‌پیشگان پرتو می‌افکند؛ چرا که آنان جز خداوند را محور زندگی خویش قرار نمی‌دهند.

ایمان به پیامبران الهی: چرا که پیامبران الهی خود از کودکی متقی بوده‌اند که به راهبری تقوا‌پیشگان برگزیده شده‌اند.

ایمان به رستاخیز: از بارزترین صفات پرهیزگاران است؛ ایمان به بازگشت به سوی خداوند، آنان را ترسان کرده و لذا در انجام اعمال صالح از یکدیگر سبقت می‌گیرند.

ایمان به کتب آسمانی: ایمان یافتن به این که آنچه بر پیامبر اسلام ﷺ و آنچه بر پیامبران پیشین عليه السلام نازل شده از سوی خداوند بوده است.

بزرگ داشتن شعایر دین: از جمله برپایی نماز از صفات متقین در دنیا است.

انجام معروف، پرداخت زکات، وصیت، شکرگزاری، هدایت، کنترل جوارح بدن از ورود به گناهان، کنترل رفتار، تهذیب نفس، توبه، دوری از شبهات، علم آموزی، خردگرایی، صبر و شکیبایی، یقین، صداقت، زهد، مسرت و آرامش روحی، تواضع، اخلاق نیکو، احسان، گشایش و آسانی، عبادت و بندگی و رستگاری، از دیگر آثار فردی و دنیوی متّقین است که از آیات و روایات قابل برداشت می‌باشند.

وفای به عهد، رشد جامعه، وحدت مسلمین، امانت‌داری، پذیرش مسؤولیت‌های مذهبی و صله‌ی رحم نیز از آثار اجتماعی تقوا در دنیا است.

و اما رهاورد تقوا در آخرت چیزی نیست جز آنچه هر انسانی به آن نیاز دارد و در آرزوی اوست: بهترین توشه و بهترین جایگاه، یعنی بهشت برین و نعمات الهی در آخرت از آن متّقین خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمّد مهدی، چاپ یازدهم، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ ه.ش.
۲. الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، تدوین: سیّد رضی، ابوالحسن حسین بن محمّد، ترجمه: شیروانی، علی، چاپ اول، قم: مؤسسه‌ی انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۳ ه.ش.
۳. الآمدی، عبدالواحد بن محمد التیمی، غرر الحکم و درر الکلم، الطبعة الاولى، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ه.ش.
۴. ابن ابی فراس، ورام، مجموعة ورام (تنبيه الخواطر)، چاپ اول، قم: مکتبه الفقیه، بی تا.

۵. ابن طاووس، سید علی بن موسی، الأمان، چاپ اول، قم: مؤسسه‌ی آل‌البتیة، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۶. الإحسانی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، الطبعة الاولى، قم: انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۷. بهشتی، سعید، آیین خرد پروری؛ پژوهشی در نظام تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام علی (علیه السلام)، چاپ اول، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۸. جودوی، امیر، «پیامد اعمال در زندگانی با الهام از قرآن»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۱، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۹. الحرّانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول (علیهم السلام)، الطبعة الثانية، قم: انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۰. الحسکانی، ابوالقاسم عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلہ فی اهل البیت (علیهم السلام)، چاپ اول، تهران: مؤسسه‌ی چاپ و نشر، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۱۱. الحلی، ابن إدیس محمد، مستطرفات السرائر، الطبعة الثانية، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۱۲. الدیلمی، ابو محمد الحسن بن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۱۳. همو، اعلام الدین، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه‌ی آل‌البتیة لإحياء التراث، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۱۴. رستمی‌زاده، رضا، فهم قرآن از دیدگاه قرآن، پایان‌نامه‌ی مقطع دکترا، راهنما: دکتر سید مرتضی آیه‌الله زاده شیرازی، مشاور:

دکتر سیّد محمّد باقر حجّتی و آیت الله سیّد ابوالفضل
میرمحمّدی، دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران،
۱۳۷۸ ه.ش.

۱۵. طباطبایی، سیّد محمّد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه:
موسوی همدانی، سیّد محمّد باقر، چاپ بیست و دوم، قم: انتشارات
جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیّه‌ی قم، ۱۳۸۶ ه.ش.

۱۶. الطوسی، ابوجعفر محمّد بن الحسن، تهنید الاحکام، الطبعة الرابعة،
تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ه.ش.

۱۷. همو، الأمالی، چاپ اول، قم: انتشارات دار الثقافة، ۱۴۱۴ ه.ق.

۱۸. العیاشی، محمّد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: چاپخانه‌ی علمیّه،
۱۳۸۰ ه.ش.

۱۹. الفتونی، ابوالحسن، مقلّمه تفسیر مرآة الانوار، تهران، ۱۳۷۴ ه.ق.

۲۰. القمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر القمی، الطبعة الثالثة، قم:
مؤسسه‌ی دار الکتب، ۱۴۰۴ ه.ق.

۲۱. کراجکی، ابوالفتح، معدن الجواهر، چاپ دوم، تهران: کتابخانه‌ی
مرتضویه، ۱۳۹۴ ه.ق.

۲۲. همو، کنز الفوائد، الطبعة الثانية، قم: مکتب مصطفوی، ۱۴۱۰ ه.ق.

۲۳. الکلینی، محمّد بن یعقوب، الکافی، الطبعة الرابعة، تهران: دار الکتب
الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه.ش.

۲۴. مجلسی، محمّدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار
علیهم السلام، بیروت: مؤسسه‌ی الوفاء، ۱۴۰۳ ه.ق.

۲۵. محمّدی ری‌شهری، محمّد، میزان الحکمه، الطبعة الاولى، قم: دار
الحديث، ۱۳۷۵ ه.ش.

۲۶. همو، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه: مسعودی، عبدالهادی، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۲۷. همو، خردگرایی در قرآن و حدیث، ترجمه: مهریزی، مهدی، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۲۸. همو، دانشنامه‌ی امیرالمؤمنین بر پایه‌ی قرآن، حدیث و تاریخ، ترجمه: عبدالهادی مسعودی (مجلدهای ۱، ۲، ۳، ۱۲)، مهریزی، مهدی، (مجلدهای ۴ و ۵)، حسینی «ژرفا»، سید ابوالقاسم، (ج ۶)، محدثی، جواد، (ج ۷) و سلطانی، محمدعلی، (مجلدهای ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱)، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۲۹. مشکینی، علی، تحریر المواعظ العذیبه، چاپ هشتم، قم: نشر الهادی، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۳۰. موسوی خمینی، سید روح الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۳۱. النوری الطبرسی، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، الطبعة الثانية، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ هـ.ق.